



## فهرست مطالب

- ۲ ..... حمله تجاوز کارانه اسرائیل به ایران و اشاره به چند نکته مهم راهبردی
- ۴ ..... حمایت بی‌شرمانه اتحادیه اروپا از ادعای امارات در باره جزایر سه گانه ایران
- ۵ ..... خودسوزی یک کارگر به دلیل تعلیق از کار
- ۶ ..... منتظرالسلطنه از هول حلیم در دیگ افتاد! ..... با ادامه نسل‌کشی در غزه و کشتار مردم در لبنان و خطر حمله نظامی به ایران صف‌بندی‌های سیاسی شفاف‌تر می‌شوند
- ۷ ..... جنگ غزه، فاجعه محیط‌زیستی در پس یک تراژدی بشری
- ۱۵ ..... در جبهه نبرد طبقاتی (مروری بر اخبار و گزارشات کارگری مهرماه ۱۴۰۳)
- ۱۷ ..... بیانیه مطبوعاتی جبهه خلق در مورد حمله نظامی اسرائیل به ایران
- ۱۹ ..... حمله هوایی و تبهکارانه رژیم صهیونیستی اسرائیل به ایران را شدیداً محکوم می‌کنیم
- ۲۰ ..... سیاست درست و انقلابی در قبال جنگ کدام است؟
- ۲۰ ..... حملات جنون‌آمیز و ضدبشری به لبنان، ناشی از استیصال و درماندگی رژیم اسرائیل است
- ۲۱ ..... ادامه اعتراض جهانی به تداوم نسل‌کشی در غزه و کشتار مردم لبنان، بسیج افکار عمومی مردم جهان
- ۲۲ ..... یک ضرورت تعطیل‌ناپذیر
- ۲۵ ..... بیانیه مطبوعاتی «جبهه خلق برای آزادی فلسطین» در مورد شهادت «یحیی السنوار»
- ۲۶ ..... ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده
- ۲۸ ..... گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش
- ۲۹ ..... پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

این حال این عملیات اسرائیل در مقایسه با حمله موشکی ایران، «وعده صادق ۲»، که کاملاً کوبنده بود و انعکاس رسانه‌ای قابل توجهی در سطح منطقه و جهان یافت، به هیچوجه همسطح نبود و از این همه هیاهو، که رسانه‌های مزدور تبلیغ کردند، فقط از کوه موش زائید.

ارتش اسرائیل در تدارک این حمله، که نقض آشکار حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران است، از حمایت کامل امپریالیسم آمریکا برخوردار بود و نمی‌توان آن را کتمان کرد. این اولین باری بود که اسرائیل پس از سال‌ها سکوت راهبردی در باره ترورهای جنایت‌کارانه مهندسان هسته‌ای و اقدامات خرابکارانه خود در خاک ایران، علناً به انجام یک عملیات نظامی در داخل ایران اعتراف کرد. همچنین از زمان جنگ با عراق در دهه ۱۹۸۰، این یک حمله نادر توسط نیروی هوایی خارجی در ایران بود.

**دوم:** در نهایت اینکه حمله اسرائیل آنچه انتظار می‌رفت نبود، به طوری که حتی صدای متحدان این رژیم را نیز درآورد. واشینگتن‌پست در گزارشی به این نکته اشاره کرد که «اقدام اسرائیل علیه ایران به هیچ عنوان شباهتی با ادعاهای اسرائیل قبل از حمله به این کشور نداشت». «یائیر لاپید»، رهبر صهیونیست جریان اپوزیسیون اسرائیل و نخست‌وزیر سابق این رژیم، نیز تاکید کرده که «حمله اسرائیل به ایران به شدت ضعیف بود».

«تالی گوتلیو»، عضو کنگست (پارلمان اسرائیل) و هم‌حزبی «نتانیاها»، در موضع‌گیری تأکید می‌کند که «اقدام اسرائیل علیه ایران مایه تأسف بود. ایرانی‌ها ما را با خاک یکسان می‌کنند، اما واکنش ما به آن‌ها در چنین سطح ضعیفی است». «روعی کایس»، خبرنگار شبکه اسرائیلی «کان» نیز حمله اسرائیل را به سخره گرفته و آن را حتی در سطحی ندیده که مقام‌های ارشد ایرانی به آن واکنش نشان دهند.

**سوم:** با این حال حمله اسرائیل، که در سه موج انجام شد و حدود چهار ساعت پس از اولین گزارش‌ها ارتش اسرائیل پایان آن را اعلام کرد، اما نشان داد که می‌تواند چند ساعت بر آسمان منطقه مسلط باشد و به اهدافی در گستره وسیعی از ایران حمله کند. تایمز اسرائیل گزارش داد که نیروی هوایی این کشور با «ده‌ها هواپیمای جنگنده، سوخت‌رسان و تجسسی» در عملیاتی در ۱۶۰۰ کیلومتری اسرائیل شرکت کردند.

مشخص نیست که آیا جنگنده‌های اسرائیل وارد حریم هوایی ایران شده‌اند یا از آسمان یکی از کشورهای همسایه از جمله عراق به سوی اهداف‌شان در ایران شلیک کرده‌اند. کوتاه‌ترین فاصله بین مرز اسرائیل و مرز ایران حدود هزار کیلومتر است. اگر از تهران زمینی به ماهشهر، محل کشته شدن یک نظامی ایرانی، سفر کنید، باید مسافتی نزدیک ۹۰۰ کیلومتر را طی کنید. ایران اعلام کرده است پدافند هوایی کشور در دفع حملات موثر بوده است، تصاویری هم از آتشباری پدافند هوایی در تاریکی شب منتشر شده است اما تاکنون تصویری یا شواهدی منتشر نشده



## حمله تجاوزکارانه اسرائیل به ایران و اشاره به چند نکته مهم راهبردی

حمله تجاوزکارانه اسرائیل، که به آن نام عملیات «روزهای پاسخ» داده‌اند، واکنش گسترده بین‌المللی را به همراه داشته است. کشورهای منطقه و متحدان ایران تقریباً یکصد این حمله را محکوم کردند. عربستان، قطر، عراق، اقلیم کردستان عراق، پاکستان، افغانستان، کوبا، ونزوئلا، بولیوی، مکزیک، نیکاراگوئه، لبنان و بسیاری از ممالک آفریقائی ... حمله اسرائیل را محکوم کردند. بسیاری از این کشورها از احتمال گسترش درگیری به مناطق دیگر، یا تبدیل شدن به جنگی تمام‌عیار، اظهار نگرانی کردند. کشورهای غربی از جمله بریتانیا، فرانسه و آلمان حمله اسرائیل را محکوم نکردند و از ایران خواستند که از پاسخ دادن به این حمله تلافی‌جویانه خودداری کند و به این روند پایان دهند. «جو بایدن»، رئیس‌جمهور آمریکا، هم اعلام کرد که حمله اسرائیل پایان روند پاسخ‌گوئی‌های متقابل دو کشور باشد.

با توجه به این حمله نظامی ارتش صهیونیستی، که نقض کامل حق حاکمیت ایران و پاسخ متقابل ایران به این تجاوز مشروع، تدافعی و عادلانه است، به نکات مهم زیر اشاره می‌کنیم:

**یکم:** رژیم متجاوز و صهیونیستی اسرائیل پس از چند هفته جنگ تبلیغاتی و روانی سرانجام در بامداد ۵ آبان با هدف نفوذ به فضای سرزمینی ایران تلاش کرد با سه موج حمله راهی برای ورود موشک‌های خود به داخل کشور ایجاد کند. البته سد نسبتاً محکم پدافندی ایران، توانست هر سه موج را با وجود خسارت‌هایی، که ابعاد آن هنوز به درستی اعلام نشده است، ناکام بگذارد. جانباختن ۴ تن از افسران پدافند ایران و یک نفر غیرنظامی نیز تاکنون از طرف حکومت ایران تأیید شده است. با

**ششم:** اکنون برای ایران مهم‌تر از هر چیز باید تقویت جبهه داخلی باشد. «رهبر» جمهوری اسلامی در سخنرانی اخیرش ضمن اشاره به حمله اسرائیل به ایران بر نقش امنیت بسیار تأکید کرد و گفت:

«راه تأمین امنیت قدرت است. ایران قوی است که می‌تواند از خود دفاع کند. قطعاً یکی از برترین نیازهای هر کشوری، هر جامعه‌ای امنیت است. اگر امنیت در جامعه نباشد، هیچ چیز نیست. نه اقتصاد هست، نه علم هست، نه پیشرفت هست، نه خانواده هست. امنیت در واقع زیربنای همه وسیله‌ها و راه‌های پیشرفت یک ملت و یک کشور است.»

اما «رهبر» جمهوری اسلامی فراموش می‌کند امنیت ملی ایران امنیت شهروندان نیز است و نه تنها امنیت آب و خاک، زیرا اگر برای مردم و صاحبان اصلی این آب و خاک امنیتی برای بقاء و ادامه زندگی وجود نداشته باشد و به عنوان برده، شهروند بی‌حقوق و سرکوب شده زندگی کنند، غرور ملی ملت مورد تجاوز تبلیغات ضد ملی قرار می‌گیرد. مبارزه برای امنیت ملی با امنیت زحمتکشان، که نان، کار، مسکن و رفاه را دربرمی‌گیرد، جدائی‌ناپذیر است باید به آن توجه جدی مبذول داشت. تکیه به امنیت ملی ایران و قوی شدن، زمانی موثر خواهد افتاد که با مبارزه علیه سیاست‌های سرمایه‌دارانه نئولیبرالیسم همراه باشد. بدون برچیدن بساط بانک‌های غارت‌گر خصوصی و خاتمه دادن به سیاست خصوصی‌سازی و ممانعت از نابودی نظام آموزشی و بهداشت از طریق خصوصی‌سازی سرمایه‌های غارت‌گر امکان تأمین امنیت ملی در عرصه داخلی و به طریق اولی خارجی وجود ندارد. این سخن که «امنیت خوب است، باید قوی بود» دیگر برائی تبلیغاتی برای حکومت ندارد و در عمل دروازه‌های دژ ایران را برای ورود قوای اشغالگر باز می‌گذارد. ایران از درون اشغال می‌شود و امنیت‌اش از میان می‌رود.

بی‌تفاوتی مردم نسبت به مسئله فلسطین و مخالفت بخش بزرگی از مردم در حمایت و همبستگی با لبنان و غزه را باید در سیاست مخرب و هار اقتصاد نئولیبرالی و افزایش شکاف طبقاتی و تبعیض، ظلم، ستم و نارضایتی عمومی در چند دهه اخیر دید که جان ملت را به لب رسانده است. نفوذ سازمان جاسوسی اسرائیل در ایران، شکاف حاکمیت و نفوذ جناح غرب‌گرا در تمام عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تبلیغاتی و از طرفی سرکوب اتحادیه‌های کارگری و نیروهای مترقی و انقلابی و کمونیست‌ها شرایطی را ایجاد کرد که ما امروز شاهدش هستیم. با شعارهای بی‌پشتوانه و فقط با نیروی محدود دولتی و یا موشک‌های پورسونیک و «پهپاد شاهد» و حتی داشتن سلاح اتمی نمی‌توان به جنگ دشمنانی رفت که بر کشور ما در زمینه‌های برشمرده برتری دارند.

بدون تقویت جبهه داخلی و تقویت امنیت معیشتی توده مردم و آرامش و آگاهی در جبهه داخلی نمی‌توان به پیروزی بر دشمن مکار با سابقه طولانی استعماری نائل آمد.\*

که نشان دهد پدافند ایران توانسته به هیچ‌هواپیما یا موشک اسرائیلی ضربه‌ای بزند. اگر چنین تصویری در دست است، باید به اطلاع عموم برسد. پنهانکاری در این مورد و یا اطلاع‌رسانی غلط و دیرنگام دست‌آویزی برای اسرائیل و رسانه‌های مربوطه علیه مردم ایران می‌شود.

**چهارم:** رژیم متجاوز اسرائیل که درگیر جنگ در چند جبهه با «محور مقاومت» است، در صدد گسترش میناتوریتی درگیری‌هاست، تا علاوه بر سالم‌ماندن، بتواند اضلاع این جبهه را از ورود همزمان به درگیری با خود منصرف کند. هدف آمریکا و اسرائیل از پیش از حمله «طوفان الاقصی ۷ اکتبر»، سرکوب مرحله‌ای و غیرهم‌زمان محور مقاومت بود؛ به این ترتیب که ابتدا مقاومت در غزه سرکوب شود و سپس لبنان و سوریه هدف قرار گرفته و در نهایت مقاومت عراق تضعیف شود و بعد به سراغ ایران بیایند. حالا که با «۷ اکتبر» اجرای این طرح با چالش روبرو شد، آمریکا و رژیم اسرائیل درصدد پیگیری مجدد هدف پیشین خودند؛ آنها امیدوارند زد و خورد‌ها در گستره منطقه باعث شود اضلاع «محور مقاومت» در ایران، عراق و یمن، پشتیبانی مستقیم خود را از لبنان و فلسطین رها کنند. با منصرف شدن اضلاع «محور مقاومت» از پشتیبانی مستقیم از غزه و لبنان، فضائی برای افزایش تحرک رژیم ایران در این دو منطقه ایجاد می‌شود. اما تعلق و «صبر انقلابی طولانی» حمله به اسرائیل و اقدام دیرنگام «وعده صادق ۲» نشان داد که رژیم اراده قاطع و جدی برای مقابله با اسرائیل و آمریکا ندارد. ضربات سنگین اخیر در لبنان و ترورهای مکرر در غزه، لبنان و سوریه را باید در ضعف رژیم جمهوری اسلامی، که نقش رهبری این جبهه را در دست دارد، مورد بررسی قرار داد. آیا اگر ایران بلافاصله پس از ترور «اسماعیل هتیه» در تهران اقدامی کوبنده‌تر از «صادق ۲» با همکاری مشترک جنبش لبنان و یمن و عراق علیه اسرائیل انجام می‌داد، وضعیت حزب‌الله لبنان و یا حتی سازمان فلسطین در سطح امروز می‌بود؟

**پنجم:** حمله تجاوزکارانه اسرائیل به ایران تمام نشده و در اشکال مختلف و در شکل «جنگ هیبریدی» و ترور رهبران جنبش ادامه خواهد داشت. دشمن قوی است و باید آن را جدی گرفت. دشمن فقط رژیم صهیونیستی اسرائیل نیست که در چند جبهه می‌جنگد. دشمن اصلی و کارگردان ریاکار و جنگ‌افروز، امپریالیسم آمریکاست که تمام مخارج جنگی، فنی، تبلیغاتی و دیپلماتیک اسرائیل را تأمین می‌کند. دشمن ایران، پیمان نظامی ناتو و اتحادیه اروپا و هم‌پیمانان این جبهه هستند که در این جنگ شرکت دارند و نقش‌های مختلفی ایفا می‌کنند و برای ممانعت از شکست اسرائیل با تمام قوا فعال‌اند. از اینرو اختلاف فن‌آوری، اختلاف تکنولوژی، اختلاف تبلیغاتی و کنترل افکار عمومی نکات مهم و قوت دشمن متجاوز است و باید آنها را در نبرد نابرابری که در منطقه در جریان است در مد نظر قرار داد.

امریکا- حاکمیت ایران یا امارات بر سه جزیره را تأیید نکرده‌اند، بلکه حاکمیت بر سه جزیره را محل اختلاف دانسته‌اند!!  
جزایر سه گانه «ابوموسی»، «تنب بزرگ» و «تنب کوچک» بخش لاینفک ایران بوده و خواهد ماند و استفاده از مفاهیم و گزاره‌های استعماری یا تکرار ادعاهای گمراه‌کننده و تفرقه‌افکنانه در مورد این بخش مهم از سرزمین ایران هیچ تغییری در واقعیت امر ایجاد نمی‌کند. ایران سواى اینکه چه شکل حکومتی در رأس کار است، جزایر یادشده را به عنوان یک حق قانونی و تاریخی جزء جدانشدنی از سرزمین ایران دانسته و ضمن احترام به اصول منشور ملل متحد و رعایت اصل حُسن همجواری، حاکمیت ملی و صلاحیت‌های حاکمیتی خود را باید در قبال جزایر ایرانی مورد نظر اعمال کند. بیانیه اتحادیه اروپا و همینطور زمزمه در لیست تروریستی قراردادن سپاه، نشان از آن دارد که اتحادیه اروپا خود را برای جنگ احتمالی بزرگ منطقه‌ای و حمله اسرائیل به ایران آماده می‌کند.

قبل از این، اتحادیه اروپا و اعضای آن، از حاکمیت امارات بر جزایر سه گانه حمایت نمی‌کردند، بلکه تنها حاکمیت بر این سه جزیره را محل اختلاف میان ایران و امارات می‌دانستند و از تلاش‌های امارات برای حل مسالمت‌آمیز این اختلاف از طریق مذاکرات دوجانبه یا دادگاه بین‌المللی یا داوری بین‌المللی حمایت می‌کردند.

#### بیانیه چه می‌گوید؟

در بیانیه پایانی نشست مشترک سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس یک بخش درباره ایران است که شامل موارد مختلف مربوط به ایران از جمله جزایر سه گانه را شامل می‌شود.

« این بیانیه از ایران می‌خواهد «به قوانین بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل متحد بر اساس احترام به حاکمیت و امنیت منطقه‌ای و عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر و خودداری از استفاده از زور یا تهدید، متعهد باشد.»  
« بیانیه از ایران می‌خواهد به آنچه که «اشغال جزایر سه گانه امارات شامل ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک» توصیف شده پایان دهد، زیرا نقض حاکمیت دولت امارات و مبانی منشور سازمان ملل متحد است.

« این بیانیه همچنین بر اهمیت مشارکت دیپلماتیک با ایران برای کاهش تنش منطقه‌ای و تضمین ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران تأکید می‌کند.

« بیانیه از ایران می‌خواهد گسترش موشک‌های بالستیک و هواپیماهای بدون سرنشین و هر نوع فناوری تهدیدکننده امنیت منطقه و خارج از آن را متوقف کند.

« بیانیه از ایران می‌خواهد به کاهش تنش منطقه‌ای ادامه دهد و تأکید می‌کند همچنان به راه حل دیپلماتیک برای مسئله هسته‌ای ایران پایبند هستیم.

انگیزه اصلی اتحادیه اروپا برای صدور این بیانیه مداخله‌آمیز



## حمایت بی‌شرمانه اتحادیه اروپا از

## ادعای امارات در باره جزایر سه گانه

### ایران

اتحادیه اروپا، که از ادعای پوچ امارات متحده عربی در مورد مالکیت بر جزایر سه گانه ایران دفاع می‌کند، به دنبال نادیده گرفتن تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی ایران است!

این جزایر متعلق به ایران بوده، هست و خواهد بود. امروز اتحادیه امپریالیستی اروپا در دفاع از اسرائیل و کشور امارات به میدان آمده تا از آب گل آلود و شرایط بحرانی منطقه ماهی بگیرد.

اتحادیه اروپا و اعضای آن برای اولین بار و در تغییری بزرگ در سیاست خود، از آنچه حاکمیت امارات بر سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک خوانده‌اند، حمایت و ادعای ابوظبی در اینباره را بی‌شرمانه تأیید کردند. اتحادیه اروپا همچنین برای نخستین بار، برای ایران از کلمه «اشغالگر» این سه جزیره استفاده کرده و خواستار پایان آن شده است. تعبیری که سابقه ندارد و از تندشدن موضع اتحادیه و فشار بر ایران حکایت دارد. این موضوع در بیانیه پایانی نشست مشترک سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس آمده است که روز چهارشنبه، شانزده اکتبر، در بروکسل بلژیک برگزار شد. ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا و ۶ کشور جنوب خلیج فارس عضو شورای همکاری هستند.

روسیه و چین و همینطور آمریکا تاکنون تنها این سه جزیره را «محل اختلاف میان ایران و امارات» دانسته‌اند و از «تلاش‌های امارات برای حل این مسئله از راه‌های مسالمت‌آمیز شامل گفت‌وگوی دوجانبه یا ارجاع به دادگاه بین‌المللی/داوری بین‌المللی حمایت کرده‌اند». به بیان دیگر این سه - روسیه چین و



## خودسوزی یک کارگر به دلیل تعلیق از کار

به گزارش «ایلنا»، «فالح سعدی» کارگری نبر فصلی واحد کشاورزی مجتمع کشت و صنعت هفت تپه که روز ۱۹ مهر ماه به دلیل اختلاف با کارفرمای واحد خود، اقدام به خودسوزی کرد، حوالی ظهر (۲۱ مهر ماه) در بیمارستان طالقانی اهواز جان باخت.

طبق گفته یکی از همکاران وی، «فالح سعدی» با چهار فرزند با مشکلات معیشتی ناشی از فصلی بودن شغل خود دست و پنجه نرم می‌کرد و در زمان خودسوزی، مشکلاتی با مسئول واحد خود در بخش کشاورزی مجتمع کشت و صنعت هفت تپه داشته است. این کارگر درباره جزئیات این حادثه گفت: از قرار معلوم آقای فالح سعدی در روز حادثه از سوی مسئول واحد برای ده روز تعلیق از کار شده بود. او زمانی که دلیل این اقدام را جویا می‌شود، از پاسخ او قانع نمی‌شود و در نتیجه یک نزاع لفظی، با کشیدن بنزین از موتورسیکلت و ریختن آن روی بدن خود، اقدام به خودسوزی می‌کند. روشن است خودکشی این کارگر و سایر کارگران نتیجه فقر و فلاکت و زورگویی‌های سرمایه‌داران تحت حمایت نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است که چنین شرایط غیرانسانی را به آنها و سایر کارگران تحمیل کرده است. کارگری که ماه‌ها حقوق دریافت نمی‌کند و کمرش در زیر بار زندگی خم شده است و یا اخراج از کار تعلیق می‌شود در قامت هیچ نوشته‌ای توصیف کردنی نیست، باید به شدت محکوم گردد. اما در هر حال راه چاره این درد خودکشی نیست. امروز پیکار علیه اخراج کارگران، پیکار برای دریافت حقوق معوقه، اضافه دستمزد، بیمه بیکاری، بهبود محیط کار، مخالفت با خصوصی‌سازی‌ها، امنیت شغلی و حق قانونی تشکیل سندیکای مستقل و در یک کلام مبارزه علیه سیاست‌های نئولیبرالی... از جمله مطالبات روز و عاجلی هستند که کارگران می‌توانند متحداً حول آنها متشکل شوند و بخشی از حقوق‌شان را از حلقوم سرمایه‌داران بی‌وجدان، که جان همه زحمتکشان را به لب رسانده‌اند، بیرون کنند.

کارگران برای رهائی از این جهنمی که نظام سرمایه‌داری آفریده است، راهی جز مقاومت و مبارزه متحد و متشکل ندارند. همه کارگران ایران دارای سرنوشت یکسانی هستند و در زیر فشار سرکوب و بی‌عدالتی حاکم به‌سرمی‌برند. مقاومت، مبارزه و اعتراض حق طبیعی همه کارگران است. لیکن این مبارزه و مقاومت، اگرچه لازم و ضروری است، اما کافی نیست. کارگران به تشکیلات واحد صنفی مستقل نیاز دارند و باید بکوشند، علی‌رغم همه موانع موجود، متشکل شوند.

آنجا که کارگران متحد و متشکل در مقابل کارفرما ایستادند موفقیت‌هایی کسب کردند و آنجا که پراکنده و بدون تشکیلات بودند، اعتراضات‌شان به‌جائی نرسیده است.\*

علیه ایران، نوعی فشار و جنگ روانی به خاطر حمایت از روسیه در جنگ اوکراین است. علی‌رغم تکذیب رسمی ایران، اتحادیه اروپا ایران را متهم به ارسال موشک بالستیک به روسیه کرده است. تو گوئی اتحادیه امپریالیستی اروپا و ناتو به اوکراین میلیاردها دلار سلاح صادر نکرده‌اند!!

به همین دلیل علاوه بر تحریم خطوط هوایی ایران این چنین بیانه بی‌شرمانه‌ای علیه ایران صادر کرده است. این بیانه هشدار صریح و حاوی این پیام است که اروپا با تغییر رویکرد در قبال ایران تصمیم گرفته است، سطح تقابل با ایران را علاوه بر سطوح هنجاری و مواردی مانند تحریم‌ها بالاتر برده و حاضر شده است در هرگونه تقابل احتمالی منطقه‌ای، علیه ایران وارد عمل شود. از طرفی ایران می‌داند شکست ناتو و غرب در اوکراین به نفع اوست و صدور موشک‌های مدرن بر تقویت روسیه و به تضعیف نیروهای مهاجم غرب می‌انجامد.

به طور کلی سیاست ارتجاعی اتحادیه اروپا علیه ایران در شرایطی صورت می‌گیرد که جهان امپریالیستی غرب و در رأس آن آمریکا، موقعیت بیش از پانصد سال نظم استعماری خود را در مسیر گذار از جهان تک قطبی به جهان چندقطبی در حرکت می‌بیند و از اینرو چنین نظم جدیدی علی‌رغم حفظ نظام استعماری به نفع او نمی‌تواند باشد لذا به هر وسیله‌ای توسل می‌جوید تا این روند را متوقف و نابود سازد. رشد غول‌آسای قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی چین، پیشرفت طرح جاده ابریشم، گسترش بریکس و پیمان شانگهای، استقلال طلبی کورئو، که زمانی در جبهه نظم تک‌قطب جهان بودند، آرام آرام تغییر جهت دادند و به جبهه‌ای روی آوردند که آینده بهتری را برایشان ترسیم می‌کند.

قیام قهرمانانه (۷ اکتبر، طوفان‌الاقصی) و برهم خوردن طرح ارتجاعی «ابراهیم» و حمایت ایران از آن موجب حملات شدیدتر اروپا و آمریکا علیه ایران گشته است. حمایت بی‌شرمانه اتحادیه اروپا از طرح کشور امارات متحده عربی و جزایر سه گانه را باید در بستر چنین تحولات جهانی مورد تبیین قرار داد. ایران با انتشار بیانه‌ای به درستی اعلام کرده است: «از نظر ایران، روشن است که مسیر همکاری با احترام، که از سوی ما در ملاقات‌های مختلف، از جمله در نیویورک به آنها پیشنهاد شد، اکنون با تمایل اروپا برای «تقابل» پاسخ داده شده است - از طریق تحریم پروازهای مسافری و ایراد اتهام عبث «اشغالگری» به ایران! جزایر سه گانه همیشه متعلق به ایران بوده‌اند و تا ابد نیز چنین خواهد بود. دوران سیاست خبیثانه «تفرقه بینداز و حکومت کن» اروپائی‌ها در منطقه ما مدت‌های مدیدی است که به سر رسیده است.»

اتحادیه بی‌شرم اروپا بهتر است از این ماجراجویی و سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن دست بردارد و به اعتراضات میلیونی یکسال اخیر در محکومیت نسل‌کشی مردم غزه و احترام به حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین و پایان دادن به اشغال فاشیستی و استعماری این سرزمین پردازد و نه جزایری که متعلق به ایران بوده، هست و خواهد ماند.\*



## منتظر السلطنه از هول حلیم در دیگ افتاد!

«اغلب به من می‌گفتند که در مبارزه برای میهنم راه به جایی نمی‌برم. چون نه تشکیلات و نهادهای یک دولت را دارم و به یقین نه بودجه کافی و نه ارتشی. اما اکنون من چنین ارتشی دارم؛ هم‌میهنان فوق‌العاده شجاعم»

عبارت بالا بخشی از سخنرانی منتظر السلطنه، «رضاپهلوی» در بنیاد ریچارد نیکسون در اول مهر ماه ۱۴۰۳ است. در پس این اظهارات فریبنده، البته عناصر فراوانی از ریاکاری و دروغ و خیانت ملی نهفته است. برای اثبات این ادعا کافی است مروری گذرا بر خط مشی و عملکرد «رضاپهلوی» و هم‌مسلمانان ایشان داشته باشیم. بر هیچ اهل سیاسی پوشیده نیست که خانواده پهلوی در تمام مدت پیش از چهار دهه حضورشان در فرنگ بدون داشتن هیچ شغل رسمی به سبک زندگی شاهانه و مجلل خود ادامه داده‌اند و با وجود اعوان و انصار موجب‌بگیر فراوانی که در طول این مدت حدود نیم قرن همراه خود داشته با مشکل مالی خاصی مواجه نگردیده‌اند. برخی از این موجب‌بگیران را می‌توان در دستگاه‌های رسانه‌ای پر کار و دروغ‌گوی سلطنت‌طلبان به چهره و نام به خاطر آورد و البته بسیاری از آنها نیز به صورت کم‌تر شناخته شده در استخدام ایشان هستند. جدا از منشأ و منبع عظیم این ثروت افسانه‌ای، که قادر است هزینه‌های هنگفت بازماندگان پادشاهی را حدود نیم قرن بپردازد، کمک‌های مالی دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای غربی، اسرائیل و عربستان سعودی نیز کمک شایسته‌ای به فعالیت‌های وی برای اهداف به اصطلاح میهن‌پرستانه ایشان بوده‌اند. با این حساب ادعای نداشتن بودجه کافی در سخنان ایشان مزورانه و عوام‌فریبانه به نظر می‌رسد. فراموش نکنیم در طول بیش از چهار دهه گذشته سلطنت‌طلبان اجنبی‌پرست و در رأس آنها رضا نیم‌پهلوی همواره در قالب‌های مختلفی همچون پروژه «ققنوس»، «شورای مقاومت» و اخیراً «منشور مهسا» با صرف هزینه‌های کلان در پی کار تشکیلاتی و سازماندهی بوده‌اند و در برخی عملیات تروریستی همانند بمب‌گذاری در هیئت عزاداری در شیراز با کمک و همکاری سازمان‌هایی نظیر موساد نیز توانائی خود را

برای ترور و ایجاد آشوب در داخل کشور نیز به رخ کشیده‌اند. با این حساب با طرح ادعای عدم بهره‌مندی از تشکیلات سازمانی نمی‌توان فیگور چهره‌ای ملی و فراگروهی به خود گرفت. اگرچه فضیلتی نیز در چنین خودنمایی‌ای نیست. چرا که نوع نگرش، عملکرد و موضع‌گیری در مورد رخداد‌های مرتبط با ایران و جهان است که ارزش هر گروه، فرد و احتمالاً سازمان متبوع‌اش را تعیین می‌کند، نه تظاهرات فروتنانه‌ای که عناصر نخوت و خودبزرگ‌بینی در تار و پود آن موج می‌زند. این در حالی است که قاطبه سلطنت‌طلبان، به خصوص شخص «رضاپهلوی» همواره در بزنگاه‌های تاریخی تنش‌های بین ایران و نیروهای خارجی نظیر آمریکا و اسرائیل، که میهن ما به حمله نظامی تهدید شده در کنار متخاصم ایستاده و به امید اینکه بتوانند همچون اسلاف‌شان در پی دخالت نظامی خارجی تکیه بر اریکه قدرت زنند خیانت را بر میهن دوستی ترجیح داده و به نرمالیزه کردن ایده جنگ امپریالیست‌ها به بهانه آزادی میهن همت ورزیده‌اند تا جایی که مورد نکوهش برخی از هم‌مسلمانان قدیمی خود نظیر «اردشیر زاهدی» قرار گرفته‌اند. ادعای میهن‌دوستی و تکیه بر مردم میهن به عنوان ارتش شخصی در کنار تصاویر عبادت مقابل دیوار ندبه در اورشلیم در حالی که کیبوت یهودی بر سر شاهزاده است، طنزی تلخ را به ذهن متبادر می‌سازد. شاید مراد وی از ارتش هم‌میهنان اشاره به گروهی از معترضان به نظام مذهبی روحانی حاکم بر ایران است که از سر لجاجت با نظام شعار «روح شاد رضا شاه» در برخی تجمعات اعتراضی سر می‌دهند و به قولی از بغض علی به دامن معاویه غلطیده‌اند. البته لازم به دانش سیاسی و اجتماعی ویژه‌ای نیست تا بتوان فهمید تفسیر به رأی این رخداد لجبازانه در برخی اعتراضات اعتبار خاصی به آبروی ریخته سلطنت مخلوع پهلوی نمی‌بخشد. سلطنتی که به دست اکثریت ملت ایران و با پرداخت هزینه‌های کلان از جان و مال مردم در پی انقلابی شکوهمند به زیر کشیده شد و موجبات فرار مفتضحانه خاندان پهلوی را فراهم کرد. کوتاه سخن اینکه خاندان کودتا زاده پهلوی، که اولین‌اش در پی کودتای انگلیسی به قدرت رسید و دومین‌اش به مدد کودتای انگلیسی - آمریکایی قوام یافت به عادت مألوف چشم امید به قدرت نظامی خارجی بسته و هر از چندگاهی در پی افزایش تنش بین ایران و دولت‌های امپریالیستی، به خصوص آمریکا و سگ دست آموزش اسرائیل، شاهزاده هم‌دُمی به معنای اثبات سرسپردگی تکان می‌دهد. موضع‌گیری اخیر وی نیز در پی رخداد‌های جنگ غزه و لبنان و کشتار بربرمنشانه مردم غزه توسط رژیم تروریست اشغالگر و بالا رفتن سطح درگیری با ایران را می‌بایست در این راستا تفسیر کرد. غافل از اینکه در شرایط بین‌المللی فعلی که جهان در حال تحول به نظامی چند قطبی است و ایران نیز با وجود بحران‌های فراوانی که با آن روبروست، لاقلاً از لحاظ نظامی در شرایط بسیار قوی‌تری از چند دهه پیش قرار دارد. چنین امیدواری خواب و خیالی بیش نیست. در پایان به نقل قولی از «دکتر ناصر زرافشان»، نویسنده، مترجم و روشنفکر چپ ایرانی اشاره می‌کنیم و مطلب را به پایان می‌بریم. وی در یکی از مصاحبه‌هایش به درستی می‌گوید: «هیچ ملتی بالا آورده خود را دوباره نمی‌بلعد»\*



## با ادامه نسل کشی در غزه و کشتار مردم در لبنان و خطر حمله نظامی به ایران صف بندی های سیاسی شفاف تر می شوند

در عرصه پراگماتیسم و حرافی و رنگ عوض کردن می توانند بر صفحه کاغذ جولان دهند، ولی در عمل، که معیار حقیقت است، باید روشن کنند که در تظاهرات حمایت از اسرائیل شرکت می کنند و یا در پشتیبانی از تظاهرات میلیونی مردم جهان در تایید مبارزه مردم فلسطین و افشاء نقش دروغ های صهیونیسم اسرائیل. این عده در حمایت از اعتراضات مردم و طبقه کارگر جهان از فلسطین شرکت نکردند و در کنار صهیونیسم باقی ماندند و پاره ای از همین تنورسین های مزدور حتی در کنار پرچم اسرائیل و اوکراین قرار گرفتند.

از منظر حزب ما «۷ اکتبر» نقطه عطفی در افشاء اپوزیسیون مزدور و اسرائیلی در میان ایرانیان، تجزیه طلبان، فرقه رجوی، پهلوی چی ها، چپ های ضد کمونیست، ضد کارگرانی که خود را به البسه کارگری ملبس کرده اند، یاران غائله زن زندگی آزادی، همدستان نازی های اوکراین، سازمان های ساختگی «حمایت از حقوق بشر»، «کانون های ادبی و فرهنگی» و... بود. از این تاریخ کسی نمی تواند چهره خود را در پشت ۲۱ هزار کودک فلسطینی کشته شده پنهان کند و از «جنایات حماس» و «حق دفاع از خود» اشغالگر و متجاوز به دفاع برخیزد. یاران غائله زن زندگی آزادی دم های خود را روی کول شان گذاردند و مخفی شدند. حتی یک گروه از آنها نیز حاضر نشد از مبارزه مردم فلسطین دفاع کند و همه آنها در کنار ارباب شان اسرائیل ایستادند. در میان اپوزیسیون نیز این شکاف عمیق ایجاد شد و صف بی شرف ها و درنده خوها از صف انسان های شریف جدا گردید و هر روز این گسست بیش تر می شود. اپوزیسیون مزدور اسرائیل، که آرزوی نابودی سازمان فلسطینی حماس را در سر می پروراند عملاً خواهان تکرار همان سناریو در ایران است و سال هاست در عرصه دروغ و دغل، فقدان اخلاقیات، بی پرنسیپی، جعل اخبار و شایعات، آمادگی ذهنی را برای تجاوز به ایران و ویران کردن زیرساخت میهن فراهم می آورد.

با تشدید درگیری ها در منطقه میان رژیم صهیونیستی اسرائیل و جنبش های رهائی بخش احتمال گشوده شدن جبهه های جدیدی از درگیری های نظامی در منطقه افزایش یافته است. پاره ای از گروه های سیاسی و نهادهای مدنی ریاکار ظاهراً هم از حقوق بشر دفاع می کنند، هم از حق آزادی بیان و قلم و هم علیه استبداد ولایت فقیه. این گروه ها بار دیگر با بالا گرفتن خطر حمله نظامی به ایران، به میدان آمده اند و به جنگ «نه می گویند»، «به جمهوری اسلامی نه می گویند!» و یا اینکه پاره ای از چپ های شبه ترسکیست نیز، به جنگ «نه می گویند» و ریاکارانه فریاد می کشند: «این جنگ ما نیست!» و اینکه «جنگ ما، جنگ توده کارگر علیه نظم سرمایه جمهوری اسلامی است»!!

قبل از تفسیر این حکم برائت برای جنایت این نکته را یاد آوری کنیم که هواداران این نظریه موزیانه در هیچ کدام از نمایشات اعتراضی در جهان شرکت نکرده اند و مردم را از شرکت در اعتراضات به بهانه حضور مسلمانان، سازمان های مقاومت فلسطینی و در رأس آن سازمان فلسطینی حماس منع می کردند و همچنان می کنند. تمام غائله گران «زن زندگی آزادی» اینبار با پرچم رسمی حمایت از اسرائیل به میدان آمدند. هواداران این نظریه «مبارزه دو قطب ارتجاعی»، فرصت طلبانه طبیعتاً

بنابر این همانطور که شاهدیم ماهیت نزاعی که در گرفته است، جنگی میان میهن دوستان واقعی و ایران ستیزان منحرف و مزدور است.

همه آن منحرفان و مزدورانی که از نزاع دو قطب ارتجاعی، اسلام سیاسی و اسرائیل، پاناسلامیسم و سکولاریسم اسرائیل سخن می‌رانند و از مبارزات موهومی خلق فلسطین به رهبری رهبران موهومی برای فریب مردم سخن می‌رانند، حتی یک نفر از آنها در عمل، که معیار یافتن حقیقت است، در نمایشات اعتراضی میلیونی سراسر جهان شرکت نکرد و برعکس مرتب خود را پشت کمین گاه «به ما مربوط نیست»، «به ضرر مردم دو طرف» است، «حماس دست ساخت موساد است»، «اسرائیل از قبل آگاه بود. طوفان الاقصی در راه است اما عمدا جلوی پیش را نگرفتند!! و... برضد مبارزه خلق فلسطین برای رهایی ملی به رهبری سازمان حماس، در اتحاد با سایر سازمان‌های مقاومت فلسطین پنهان نمودند.

ما در زیر اسنادی را در افشاء این اپوزیسیون مزدور جمع‌آوری کرده‌ایم و در اختیار عموم قرار می‌دهیم.

برای هر عقل سلیمی این پرسش مطرح می‌گردد که چرا گروه‌های سیاسی در مقابل کوه اجساد کودکان فلسطینی و قتل و ترور رهبران جنبش مقاومت فلسطین و لبنان، «اسماعیل هنیه»، «حسن نصرالله» و «یحیی سنوار» و جبهه خلق برای آزادی فلسطین با خون‌سردی به نظاره نشستند و در مبارزه میلیون‌ها نفر در سراسر جهان علیه صهیونیسم و نسل‌کشی اخلاص و خرابکاری کردند و هنوز هم می‌کنند. زیرا اینان با حمله به جنبش مقاومت فلسطین و در این کشتار شنیع و حیوانی رویاهای خود در تجاوز اسرائیل و آمریکا به ایران و روی کار آوردن یک جبهه هوادار غرب و یا یک «حکومت شورائی کارگری» را می‌بینند؟! ما در زیر به چند سند شریفانه و مردمی و مخالف تجاوز و کشتار اشاره می‌کنیم، تا این صف‌بندی را از هم اکنون روشن سازیم

### هدف از صدور این بیانیه چیست؟

#### در نقد یک بیانیه ارتجاعی

اخیراً بیانیه صهیونیسم‌پسندی از طرف چند صد نفر از «دانشگاهیان، هنرمندان، نویسندگان و کنشگران سیاسی و مدنی برای صلح، آزادی و دموکراسی جنگ در خاورمیانه را متوقف کنید!

نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی ایران!»، منتشر شده است. «رضا فانی‌یزدی»، تحلیل‌گر و فعال سیاسی جمهوری خواه نقدی قابل تقدیر بر این بیانیه ارتجاعی نوشته است که در زیر می‌خوانید:

«آنچه در این بیانیه (نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی) به قصد فراموش شده، این است که این جنگ کثیفی را که اسرائیلی‌ها از همان ابتدای اشغال سرزمین‌های فلسطینی به راه‌انداخته‌اند ندیده و توجه نمی‌کند که این جنگی دوطرفه نیست و دو

طرف جنگی ندارد. این جنگ کثیف و اقدامی جنایتکارانه است که یک‌طرف آن مردم مظلوم و بی‌دفاع فلسطینی هستند که چندین دهه قربانی شده و سازمان‌هایی که نمایندگی این مردم را دارند و مجبور به مقاومت می‌شوند و آنها نیز قربانی تجاوز و اشغالگری هستند و حق دارند در مقابل متجاوز به هر شکلی مقاومت کنند و طرف دیگر دولتی فاشیستی و متجاوز و اشغالگر است که چندین دهه است که به هر شکل و بهانه‌ای به کشتار مردم دست زده و حامیان گردن کلفت غربی او نیز در تمام این دوران تاریخی تمام قد در کنار او ایستاده و از او حمایت می‌کنند.

زبان این بیانیه متأسفانه نان به نرخ روز خوردن و همراه شدن با رسانه‌های مسلط غربی است همان زبانی که رسماً از مداخله و کشتار ناتو در دیگر کشورها در گذشته حمایت کرده و در آینده نیز کشتار و ویرانی توسط نیروهای ناتو و هم‌پیمانان آنها از جمله حمله احتمالی اسرائیل به ایران را حمایت خواهد کرد دیدن بعضی از اسامی برایم تعجب‌آور بود که با چه توجیهی امضا خود را در کنار افرادی گذاشته‌اند که در گذشته وقیحانه در بیانیه‌ای در دورانی که ناتو آماده تجاوز به لیبی بود، خواهان حمله نظامی به لیبی شدند.

البته این شاید تمام قضیه نباشد، به نظر می‌رسد کمی هم محافظه‌کاری از ترس دستگاه‌های امنیتی در غرب و حفظ شغل مقام و امنیت فردی نیز این روزها به این نوع رفتارها دامن زده و در آینده شاید بیش‌تر شاهد چنین رفتارهایی باشیم.

این بیانیه‌ها بیش‌تر شباهت به بیانیه‌های بی‌خاصیتی دارد که با محکومیت طرفین و البته از ابتدا تا به انتهای آن با تأیید بیش‌تر بر نقش ایران و حماس و حزب‌الله و دیگر نیروهای مقاومت در جنگی که اسرائیل به راه‌انداخته است به جای محکومیت جنایتکار، قربانیان این فاجعه بشری را هدف گرفته‌اند.

در هر پاراگراف در این بیانیه از همان ابتدا تلاش شده با طرح تروریسم حماس و نقش بنیادگرایی و برجسته کردن جنگ‌طلبی نیروهای مقاومت به گونه‌ای تصویرسازی شود که در پس پرده چنین فضاسازی‌هایی تصویر جنایتکار اصلی پنهان شده و تصویر قربانی پررنگ‌تر دیده شود. ضمن اینکه باید یادآور شد که جمهوری اسلامی یک‌طرف این جنگ نبوده و نیست.

یکسال از این جنگ لعنتی علیه مردم در غزه گذشته است و بیش‌تر از دو هفته است که مردم لبنان نیز در آتش جنگی، که اسرائیل آغاز کرده است، می‌سوزند. ده‌ها هزار نفر در غزه و هزاران نفر در لبنان قربانی بمباران‌های وحشیانه اسرائیل شده‌اند. ایران برخلاف انتظار بسیار خویشتنداری کرده و فقط با پاسخ‌های حساب‌شده سعی در بازدارندگی داشته است. تأسف آور است که دوستان ما بعد از این همه کشتار و جنایت در این فاجعه بشری قربانی و جنایتکار جنگی را در کنار هم محکوم کرده و نام این بیانیه را نه به جنگ گذاشته‌اند. امروز اگر کسی با حداقل وجدان و احساس انسانی به غزه و بیروت



می‌سازد. روشن است دیر یا زود شعله‌های آتش این خشونت در دیگر شهرها و سیاست‌های ملی و منطقه‌ای زبانه خواهد کشید. شیخ غزه تا نسل‌ها ما را رها نخواهد کرد.

ما جمعی متکثر از ایرانیان داخل و خارج کشور - که خیل جامعه‌ی دانشگاهی، دانش‌پژوهان، فعالان سیاسی و اجتماعی و هنرمندان را تشکیل می‌دهیم - از تجاوز نسل‌کشانه‌ی اسرائیل به مردم فلسطین در باریکه‌ی غزه، آپارتاید سرکوب‌گر در کرانه‌ی باختری اشغالی، قشون‌کشی به خاک لبنان، حملات به یمن و سوریه و هر گونه اقدام نظامی علیه ایران تحت هر عنوانی اعلام انزجار می‌کنیم و آن‌را جلوه‌ای آشکار از خشونت گسترده، فراقانونی و افسارگسیخته علیه شرایط زیست جمعی مردمان در منطقه می‌دانیم، خشونتی تحت حمایت کامل مادی و معنوی دولت‌های غربی و در هم‌تنیده با گردش جهانی سرمایه. گفتارها و شواهد گویای آن است که ایران از اهداف بعدی تخاصم اسرائیل تحت عنوان «نظم نوین» خواهد بود. این بیانیه حامل هشدار اضطراری علیه بی‌تفاوتی در قبال تبعات جنایت‌های نظام‌مند بر هم‌زیست‌های جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی ماست.

«نظم نوین» - نامی که اسرائیل بر عملیات ترور حسن نصرالله و البته همه‌ی مردمان و زندگان در بلوک مسکونی اطراف نهاد - عنوانی است که هیتلر برای رؤیای حزب نازی آلمان برگزیده بود:

نظام جدیدی که قرار بود نازی‌ها را حاکم مطلق اروپا سازد و همه‌ی «ناپاکی»های اروپا (یهودیان، اسلاوها، کولی‌ها) را بزداید، با اخراج، به‌بردگی گرفتن و نهایتاً قتل عام نظام‌مند. شاید تنها تفاوت این نام‌گذاری با قرینه‌ی تاریخی‌اش این است که اسرائیل دیر، بسیار دیرتر از نازی‌ها، علناً به ماهیت فاشیستی خود اذعان کرد زیرا تا امروز کوشیده بود برتری جویی نژادپرستانه‌ی خود را زیر نشان «دفاع» و «تمدن علیه بربریت» و «بازپس‌گیری ارض موعود از چنگ اشغال‌گران بریتانیایی و عرب» معرفی کند. این نظم «نوین» که در زبان سیاسی امروز نمود یافته به‌واقع نظمی کهن است که از سال ۱۹۴۸ بدین سو در منطقه در حال بسط و شکل‌گیری بوده است. جنبش اساساً اروپایی صهیونیسم که سال‌ها پیش‌تر پا گرفته بود از بحران‌ها و تنش‌های بعد از جنگ جهانی دوم و جهان بعد از هولوکاست آلمان نازی بهره گرفت، چنان‌که قبلاً، با فروپاشی امپراتوری عثمانی و مرزکشی‌های دلخواهی سرزمین‌های شام، از تحت‌الحمایگی بریتانیا بر فلسطین برای زمینه‌سازی تحقق پروژه‌ی سکنی‌گزینی استعماری بهره برده بود. به‌گفته‌ی مورخ اسرائیلی، شلومو سند، یهودستیزی اروپایی یهودیان را در خاورمیانه «استفراغ» کرد و صهیونیست‌ها خود را قانع کردند که سردمداران و پاسداران متعالی تمدن غرب در شرق هستند. دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ با «نگبت» تخریب صدها دهکده، کشتار، اخراج، و تصرف خانه‌های بیش از هفتصد هزار فلسطینی با حمایت غرب تأسیس شد. زمان زیادی طول نکشید تا رؤیای

نگاه‌کند و این همه جنایت و تخریب را هم‌زمان به پای حماس و جمهوری اسلامی و اسرائیل بنویسد، نه می‌توان به وجدان حقوق بشری او باور کرد و نه به شعار «نه به جنگ او» وقتی جای جنایتکار و قربانی را عوض می‌کند.

اگر به دنبال بازتاب این متن در میان مردم منطقه هستید، بروید سراغ مردم در غزه و لبنان و همین متن را برای آنها ترجمه کنید، ببینید چگونه تف و لعنت‌تان می‌کنند. آنها امضاکنندگان چنین بیانیه‌هایی را تف‌ولعنت می‌کنند چون نمی‌توانند این همه بی‌انصافی در قضاوت را نسبت به خود و جنایتکاری چون «نتان‌یاهو» ببینند. شما خودتان را جای آن مردم مجروح و در به در و دریده شده در کمپ‌های زیر بمب و آتش اسرائیلی‌ها بگذارید، آنوقت به این بیانیه نگاه کنید و ببینید مثنی انسان، که در رفاه و آسایش در اروپا و امریکا نشسته‌اند، به آنها که تنها حامیان شما هستند، تروریست می‌گویند و آنها را هم‌وزن جنایتکاری چون «نتان‌یاهو» قلمداد می‌کنند، به چه چشمی نگاه می‌کنند؟

از قدیم گفتند یک سوزن به خودت بزن، بعد یک جوالدوز به دیگری.

این بیانیه‌ها و تفسیرهای بی‌خاصیت رسانه‌های مسلط در غرب خاک پاشیدن به چشم مردمی است که روزانه زیر بمب‌های جنایتکاران اسرائیلی قربانی شده و خون‌گریه می‌کنند.

\*\*\*

### فراخوان جمعی: علیه نظم «نوین» تحمیلی بر خاورمیانه

این فراخوان با امضای جمع گسترده‌ای از دانشجویان، زنان مبارز، هنرمندان و افرادی از پوزسیون داخل و خارج کشور علیه نسل‌کشی در غزه و کشتار مردم لبنان و علیه حمله احتمالی اسرائیل و قدرت‌های امپریالیستی غرب به ایران تدوین و منتشر شده است. ما در اینجا بخشی از این بیانیه را منتشر می‌کنیم:

«عصر ما طی یکسال گذشته ناباورانه یک کودک‌کشی هولناک را به خود دیده است و گویی پایانی هم برای آن پیدا نیست. ساده‌دلی قساوت‌باری است این تصور که پیامدهای فاجعه‌ای در این مقیاس گریبان همگان را نگیرد و سرنوشت سیاره را رقم نزند. تنها سایه‌ی سیاه یا برای برخی آفتاب روشنی‌بخش جنگ نیست که سخن‌گویان به زبان این نوشته را نگران کرده است، فهرست مسائل آینده‌ی نزدیک شامل این مداخل است: گسترش وسیع تکنولوژی‌های جدید کشتار و سلطه‌ی پس از آزمایشگاه فلسطین، سرکوب‌گرتر شدن دولت‌ها درون و حوالی مرزها از پی فعالیت نظامی خشونت‌بار خارجی‌شان، برون‌داد سرسام‌آور گازهای ناشی از فعالیت‌های صنعتی - نظامی و تشدید گرمایش جهانی بر اثر بمباران، افزایش بیماری‌های همه‌گیر و در یک کلام شدت گرفتن تخریب جلوه‌های حیات انسانی، حیوانی و گیاهی به قصد جلوگیری از سکونت مردمی بومی. ماحصل این همه البته تروماهای بی‌پایانی است که تکرار خشونت در آینده را تقریباً ناگزیر

«یحیی ابراهیم حسن السنوار/ أبو ابراهیم» از او به عنوان «مهندس عملیات دلاورانه طوفان الاقصا» نام بُرد.

«یحیا سنوار با خون خود زیباترین مفاهیم فداکاری را مصور کرد و به دفاع از خلق فلسطین برخاست. او همراه و پشتیبان ستم‌دیده‌گان فلسطینی و لبنانی در مقابل تجاوز دشمن صهیونیستی بود. ما به شدت تأکید می‌کنیم که اندوه فقدان او فقط بر عزم و اراده‌ی راسخ ما به منظور تداوم راه شهدا و ادامه‌ی نبرد تا آخرین قطره‌ی خون‌مان خواهد افزود. کما اینکه در غیاب او مصمم‌تر از همیشه و تا پای جان برای آزادی کامل خاک فلسطین و رهائی تمام سرزمین‌های اشغالی عربی در لبنان و سوریه و گرفتن انتقام خون رهبران و شهیدان‌مان به مبارزه ادامه خواهیم داد.»

«به خاک‌افتادن تراژیک یحیا سنوار موج غیرمنتظره‌ای از واکنش‌های مختلف را برانگیخت. سطح و حجم این موضوع به مراتب گسترده‌تر از واقعه‌ی ترور اسماعیل هنیه در تهران یا کشته شدن حسن نصرالله در ضاحیه‌ی بیروت بود. با توجه به اینکه سنوار از لحاظ تشکیلاتی و سابقه‌ی فعالیت سیاسی نظامی از نامبرده‌گان پائین‌تر بود، اما قتل او از هر منظر مهم‌تر جلوه کرد. این برای نخستین بار طی سال‌های بعد از انفاضه‌ی دوم (۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ تا ۸ فوریه ۲۰۰۵) بود که مساله‌ی فلسطین با خون یحیا سنوار یک دو قطبی کاملاً مشهود را ایجاد کرد. تو گوئی: شهری بود که ناگهان به خاموشی فرو رفت. جنگلی بود که با تمام درختانش سوخت و خاکستر شد. تکیه‌گاه گسترده و پناهگاه امنی بود که به تمامی فروریخت. زمینی بود که دهان گشود و قاره‌ئی را با خود به اعماق تاریکی برد. گلستانی بود که ارغوان و نسترن‌اش را در معرض بادهای سمی پرپر شده دید. امیدی که به یاس گرائید. نیز ضربه‌ئی بود که کل سازه‌های «نظام جهانی نو» را درهم شکست. نیز موشکی بود که «نظم نوین جهانی» ناتو ساخته را در ابعادی فراتر از ۱۱ سپتامبر داغان کرد. تعرضی به قامت انسان و انسانیت بود که غم و داغ تمام مبارزان به خون غلتیده‌ی ضد‌اشغال - از ویتنام و الجزایر و لیبی و مصر و سوریه و اردن و عراق و افغانستان تا اوگاندا و غنا و اتیوپی - را زنده کرد. و جالب اینکه فاعلیت این واقعه‌ی تاریخی در خرابه‌های تل‌السلطان رفح به عهده‌ی پلشت‌ترین و هارترین و خبیث‌ترین و خونریزترین جناح فاشیست سرمایه‌داری متفعلن معاصر گذاشته شده بود. و جالب‌تر اینکه این موجود تبهکار ناخودآگاه و برای نمایش اقتدار و قدرت خود دوربین را به عمق فاجعه برد تا صحنه‌ی شگفت‌ناک‌ترین واقعه‌ی اتفاقیه دوران ما در حافظه‌ی تاریخ دو گانه‌ی رو به زوال و زاینده‌ی آینده ثبت شود. صحنه‌ئی که انحطاط و در همان حال شکوه مبارزه‌ی بشریت سرگردان را نشان می‌داد. بشریتی که در حال فرورفتن در گنداب بویناک سرمایه‌داری فاشیستی آخرالزمانی بود و در مقابل خود میخک سرخی را می‌دید که از اعماق مرداب روئیده است. چند ثانیه از مرگ انسانی که قربانی ۷۷ سال جنایات قصابانی با کنده‌های خونین و ساطوری به دست

نظم نوین هر بار در واکنش به دستاوردهای جنبش‌های مردمی در منطقه بسط پیدا کند: ۱۹۵۳ کودتای بریتانیا و آمریکا علیه دولت دموکراتیک مصدق در ایران، ۱۹۵۶ حمله‌ی بریتانیا و فرانسه و اسرائیل به مصر در پاسخ به ملی‌سازی کانال سوئز، ۱۹۵۷ حمایت مالی آمریکا و بریتانیا از پادشاه اردن، ۱۹۵۸ دخالت سازمان سیا در انتخابات دموکراتیک لبنان علیه جبهه‌ی ملی آزادی لبنان، ۱۹۶۷ حمله‌ی اسرائیل به اراضی فلسطین و سوریه و مصر و اشغال بخشی از آن، ۱۹۷۳ حمله‌ی اعراب به اسرائیل برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی، ۱۹۷۵ آغاز جنگ داخلی لبنان با حمله‌ی فالانژهای (تندروهای مسیحی) تحت حمایت اسرائیل به پناهندگان فلسطینی در لبنان، ۱۹۷۸ حمایت آمریکا از سادات در مصر و امضای صلح کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل، ۱۹۷۹ انقلاب ایران علیه اداره‌ی کشور توسط نماینده‌ی آمریکا، ۱۹۸۰ حمله‌ی عراق به ایران با حمایت غرب، ۱۹۸۲ حمله‌ی اسرائیل به لبنان، قتل‌عام‌های صبرا و شتیلا و اشغال جنوب لبنان و بیروت، ۱۹۹۱ حمله‌ی موشکی صدام به اسرائیل و جنگ اول آمریکا با عراق، ۱۹۹۲ آغاز تحریم مرگبار عراق، ۲۰۰۱ حمله‌ی آمریکا و متحدانش به افغانستان، ۲۰۰۳ حمله‌ی آمریکا و متحدانش به عراق، ۲۰۰۶ حمله‌ی اسرائیل به لبنان و آغاز تحریم‌های فلج‌کننده‌ی ایران، ۲۰۱۱ حمله‌ی آمریکا و متحدانش به لیبی، ۲۰۱۳ پیدایش داعش در ویرانه‌های جنگ عراق: گروهی که با همه‌ی مردمان منطقه جنگید به جز با اسرائیل، ۲۰۱۴ کودتای نظامی در مصر با پشتوانه‌ی آمریکا، ۲۰۱۵ ورود عربستان و آمریکا به جنگ یمن و سوریه، ۲۰۲۰ اقدام جنگی آمریکا علیه ایران با ترور قاسم سلیمانی، ۲۰۲۳ حمله‌ی حماس به اسرائیل و آغاز نسل‌کشی در غزه به دست اسرائیل و آمریکا، ۲۰۲۴ حمله‌ی اسرائیل به کنسول‌گری ایران در دمشق، ترور اسماعیل هنیه در تهران و بمباران لبنان، سوریه، یمن و تجاوز نظامی اسرائیل به خاک لبنان....»

\*\*\*

۲۶مهرماه ۱۴۰۳ در تاریخ هرگز فراموش نخواهد شد

کمونست‌های فلسطینی در سوگ سنوار!

این مقاله از دکتر «محمد فرگوزلو»، مقیم ایران، منتشر شده است؛ ضمن محکوم کردن قتل جنایتکارانه رهبر حماس، «سنوار»، شجاعت و مقاومت و پایداری او را ستود و نبرد بی‌باکانه او را در مقابل دشمن تا بُن‌دندان مسلح، الهام‌بخش میلیون‌ها فلسطینی و میلیون‌ها انسان در منطقه و جهان تحلیل کرد. در بخشی از این مقاله چنین آمد:

«جبهه‌ی خلق برای آزادی فلسطین مراتب سوگواری خود را نسبت به شهادت رهبر و فعال برجسته‌ی ملی یحیا سنوار فرمانده جنبش حماس و بنیانگذار شاخه‌های نظامی الاقصا و یکی از سرسخت‌ترین نمادهای مبارزه‌ی خلق فلسطین اعلام می‌دارد». جبهه‌ی خلق همچنین ضمن چاپ پوستری از تصویر بزرگ

نمی‌توان انسان و شرافتمند بود و در سوگ تک تک این قربانیان دچار اندوه و کینه و خشم نسبت به رژیم نژادپرست اسرائیل و حامیان آن نشد!

نفرت‌انگیز است رویکردی که از روز نخست پس از عملیات ۷ اکتبر با ژستی ریاکارانه و فریبنده و حقوق بشری تلاش کرد تا جانی و قربانی را در دو کفه یک ترازو بگذارد و هر دو را محکوم کند و برای کشته‌شدگان اشغالگر عملیات ۷ اکتبر همانگونه دل بسوزاند که برای ده‌ها هزار نفر قربانی تجاوزگری و نژادپرستی صهیونیسم! این گونه موضع‌گیری، نشانی از اخلاق و شرافت را بازتاب نمی‌دهد.

در شرایطی که سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی سترون شده‌اند، و در شرایطی که رژیم نژادپرست اسرائیل آشکارا تمام قطع‌نامه‌ها و توافق‌نامه‌های حقوقی و بین‌المللی، از جمله توافق‌نامه‌ای را که بر اساس آن ۸۰ درصد از سرزمین تاریخی فلسطین را از آن خود کرد، زیر پا می‌گذارد و با هیچ عقوبتی مواجه نمی‌شود و جهان نیز تنها نظاره‌گر این وضعیت و نژادپرستی در زندان و شکنجه‌گاه روباز جهان در غزه بود، تردیدی نیست که خلق قهرمان فلسطین و رهبران مبارز آن بر اساس موازین حقوق بین‌الملل و عقل سلیم و شرافت انسانی و ... مجازند برای دفاع از خود دست به هر اقدامی از جمله آنچه در ۷ اکتبر رخ داد، بزنند!

جان‌باختن تک تک فرزندان، کودکان زنان و مردان و مبارزان و رهبران خلق قهرمان فلسطین در غزه، کرانه باختری، مردم و مبارزان لبنان و ... تأثیربرانگیز است. ترور اسماعیل هنیه رهبر سیاسی حماس در تهران، ترور ناجوانمردانه حسن نصرالله در بیروت با بمب سنگر شکن آمریکایی و ... بسیار تأثیربرانگیز و برانگیزاننده خشم و کینه نسبت به نژادپرستی صهیونیسم و امپریالیسم بوده است. اما قتل یحیی سنوار که تا آخرین لحظه در سنگر مبارزه رودرو با این جانان رخ داد، از نوع دیگری است، با تأثراتی بسیار عمیق‌تر و ...

او هزینه پایبندی به آرمان‌های خود را با زندگی و مبارزه خود، با ده‌ها زندان، مبارزه و سرانجام ایستادگی تا آخرین نفس در برابر رژیم و نظامیان وحشی و نژادپرست اسرائیل و حامیان امپریالیست آن پرداخت.

باید به احترامش برخاست. بی‌شک نام یحیی سنوار به عنوان نماد مبارزه و قهرمان خلق دلاور و رزمنده فلسطین، ماندگار و جاودانه است!»

\*\*\*

**نه به جنگ، شعار صنفی است!**

این بیانیه توسط سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران منتشر شده است و مخالفت خود را با هرگونه حمله نظامی علیه ایران ابراز داشته است. جهت‌گیری صل‌خواهانه و ضدتجاوز نظامی به ایران و اتحاد و همبستگی همه کارگران ایران ضمن مبارزه برای حقوق صنفی خود محتوای این بیانیه سندیکای کارگران

بود. قاتلانی که فقط ظرف یکسال گذشته بیش از ۴۳ هزار انسان غیرنظامی را ذبح کرده‌اند و صدها هزار تن و جان شیفته را با زخم‌هایی هولناک به زیر آوارها کوبیده‌اند. واقعیت این است که جهان امروز بیش از همیشه به یک سلاح‌خانه‌ی بی‌در و پیکر تبدیل شده است.»

\*\*\*

**دروود بر یحیی سنوار قهرمان خلق فلسطین**

**مقاله‌ای خواندنی از «مسعود امیدی»، تحلیلگر مسائل سیاسی در مورد جانباختن «یحیی سنوار»، رهبر جنبش مقاومت فلسطین:**

«نمی‌توان انسان دوست بود، آزادی خواه بود، مدافع صلح و حق حاکمیت ملت‌ها بود، مدافع دموکراسی بود، دشمن نژادپرستی صهیونیستی و فاشیسم و نوافاشیسم امپریالیستی بود، مخالف نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی بود، نمی‌توان انسان و شرافتمند بود و برای یحیی سنوار قهرمان خلق فلسطین، که در سنگر مبارزه با نژادپرستی صهیونیسم (و مدافع جنایتکار و وقیح آن امپریالیسم و به ویژه امپریالیسم آمریکا) جانباخت، متاثر و اندوه‌گین نشد!

او نماد ایستادگی و رزم پایدار و خستگی‌ناپذیر خلق قهرمان فلسطین بود. اگر زمانی عرفات، جرج حبش، نایف حواتمه، لیلا خالد و ... نمادها و رهبران مبارزه شجاعانه و دلاورانه خلق قهرمان فلسطین علیه جانان صهیونیست و حامیان غربی آن بودند، روند تحولات شرایط را به گونه‌ای رقم زد که امروز اسماعیل هنیه‌ها، حسن نصرالله‌ها و یحیی سنوارها در جایگاه رهبران و قهرمانان این خلق مبارز قرار گرفتند.

می‌توان با نگاه و رویکرد ایدئولوژیک و آرمانی آن‌ها و با برخی مواضع و جهت‌گیری‌های سیاسی آن‌ها مخالف بود، اما نمی‌توان به احترام شجاعت، فداکاری و پیکار خستگی‌ناپذیر و قهرمانانه آن‌ها در دفاع از آرمان خلق فلسطین از جا برنخاست و برایشان درود نفرستاد!

یحیی سنوار به نوعی حامل پرچمی است که چند دهه قبل در دست چه گواراها، لومومباها، آئنده‌ها و بسیاری از رهبران مبارز و جان‌باخته خلق‌های مبارز برای استقلال و حاکمیت ملی و علیه نژادپرستی و استعمار و امپریالیسم بود.

بر اساس داده‌ها و اطلاعات معتبر، نزدیک به ۱۹۰ هزار انسان طی یک سال گذشته به صورت مستقیم و غیرمستقیم در غزه توسط نژادپرستان صهیونیست و با حمایت مستقیم و آشکار آمریکا و سایر حامیان غربی آن کشته شده‌اند که بیش‌تر آن‌ها را هم زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. بسیاری در زیر آوارها مدفون شده‌اند و ...

گرسنگی در غزه بیداد می‌کند، غزه با بیماران‌های خارج از تصور، شخم زده شده است. دو میلیون انسان در شرایط وحشتناک آوارگی و فقر گرفتارند. در هیچ‌جا، در پناهگاه‌ها و مدارس و بیمارستان‌ها و ... در امان نیستند. در همه جا مورد بمباران قرار می‌گیرند.

فلز کار مکانیک را بازتاب می دهد:

«چندی است با بحرانی تر شدن فضای سیاسی کشور، موضوع نه به جنگ افروزی و محکوم نمودن حمله به کشورمان، منجر به بحث‌هایی در میان بازنشستگان فعال گردیده است. دوستانی عنوان می کنند این شعار سیاسی است و ربطی به مسایل صنفی ندارد و بهتر است کار صنفی را با کار سیاسی مخلوط نکنیم.

تعریف از کار صنفی فقط افزایش دستمزد، مستمری، بهبود درمان، اعتصاب و اعتراض و جمع شدن در خیابان، خلاصه نمی شود، بلکه هر موضوعی که در زندگی زحمتکشان اثرگذار است، چه منفی و چه مثبت، به آنان ربط دارد و موضع گیری زحمتکشان را می طلبد. آیا جنگ و صلح در زندگی زحمتکشان اثر منفی و مثبت ندارد؟ و نباید آن را سر لوحه کار مطالباتی قرار داد؟»

با حمله به ایران بی تردید زندگی فرزندانمان و همه ما تحت تأثیر قماری که محافل سرمایه داری جهانی برای آن کیسه‌ها دوخته‌اند، به خطر خواهد افتاد و بسیاری جان‌شان را از دست خواهند داد. ویران شدن زیرساخت‌های دارویی، نیروگاهی، پالایشگاهی در زندگی همه ما تأثیرگذار خواهد بود. برای مثال در آن شرایط داروهایی که زحمتکشان مصرف می کنند توسط دلالتان به پستوها خواهد رفت و زندگی بسیاری از جمله بازنشستگان و زندگی بیماران خاص به مخاطره خواهد افتاد. ما که امروز به دنبال بهبود وضعیت درمانی خود هستیم، باید چند قدم عقب‌نشینی کنیم. آیا باز هم جنگ و یا صلح نباید مورد توجه بازنشستگان مطالبه گر باشد؟ به تاریخ رجوع کنیم و از آن بیاموزیم.

از سال ۱۳۲۰ و با حضور شورای متحده مرکزی زحمتکشان، کارگران در مسایلی که به زندگی آنان مربوط بود، دخالت کردند، از مبارزه با استعمار انگلیس در صنایع نفت، مبارزه با مالکان و خان‌های انسان‌نما، تا حضور در ملی کردن صنعت نفت. سال ۱۳۲۵ در جشن روز کارگر در آبادان یکی از زنان سخنران عضو شورای متحده آبادان خواستار ملی شدن صنعت نفت شد. (منبع: ایران بین دو انقلاب نوشته آبراهامیان) روز ۳۰ تیر حضور کارگران برای به زیر کشیدن قوام‌السلطنه و روی کار آوردن دکتر مصدق برای نخست وزیری. تظاهرات سندیکاهای کارگری در مخالفت با ورود هریمین آمریکایی به ایران. اما از همه جالب‌تر موضع گیری سندیکای کارگران کفاش در مخالفت با جدایی بحرین از ایران با فشار انگلیس بود که طی بیانیه‌ای این عمل رژیم شاهنشاهی محکوم شد (گفتگو با جواد مهران گهر عضو هیات مدیره سندیکای کارگران کفاش تهران). از بستن شیرهای نفت توسط سندیکای کارگران شرکت نفت در سال ۵۷ و سقوط رژیم پهلوی، که همه در جریان هستند، اشاره‌ای نمی کنم.

دوستان بازنشسته، یک سندیکالیست واقعی و یک مطالبه گر کف خیابان فقط به دنبال بهبود مسایل حقوقی نیست، بلکه هر امری که با زندگی و مرگ ما و خانواده‌هایمان در ارتباط

باشد، باید موضع گیری کند و مبارزه برای صلح و محکوم کردن حمله نظامی به ایران در کنار دیگر خواسته‌های معیشتی و درمانی و کوتاه کردن دست مافیاز صندوق‌های بازنشستگی باید برایشان مهم باشد.»

\*\*\*

### سنوار عروج انسانیت بود

بیانیه «سازمان تدارک کمونیستی» در محکومیت جنایت امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها در به شهادت رساندن «یحیی سنوار» رئیس دفتر سیاسی حماس:

«آنچه در ۲۶ مهر ماه در ویرانه‌های غزه واقع شد، اتفاقی ساده نبود، واقعه‌ای منحصر به یک جنگ نبود، حماسه‌ای محدود به ملت قهرمان فلسطین و مردم شریف و مقاوم غزه نبود. آنچه واقع شد فراتر از تمام اینها بود. این واقعه‌ای بود به معنای واقعی کلمه تاریخی-جهانی. امری برای تمام بشریت، جوانه نظم جهان آینده بود در دل مرداب متعفن که سرمایه داری بشر را در آن غرق کرده است. و چه مکار است تاریخ که رسالت اعلام بشارت زایش این جهان نو را بر عهده خون‌خوارترین، کثیف‌ترین، متعفن‌ترین و تهوع‌انگیزترین موجود این مرداب قرار داد. آنچه در آن ساختمان تل‌السلطان رخ ویران واقع شد، برای لحظه‌ای لنز جهان را برگرداند تا تصویر واقعیت آنچه‌ان که هست در برابر چشمان جهانیان آشکار شود و نه آنچه‌ان که نمایانند. تمام جهان دید که اخلاق در کدام سوی جدال قرار دارد و رذالت در کدام سو. و این را خود آن هیولا در لحظه‌ای از شعف شهوت‌وار خونخواری که دندان خویش را در گلوی قربانی فرو کرده باشد، به جهانیان نشان داد. و این آن چیزی بود که پایان حماسی سنوار را به آغاز نمادین جهان آینده بدل نمود.

تاریخ معاصر اتفاقاً به تصاویری نیاز داشت که از رفح به جهان مخاברה شد. نه لحظات مرگ قهرمانانه سالوادور آلنده در دوربین ثبت شده بود و نه جان‌باختن پزشک و سردار توده‌های محروم جهان، ارنستو چه گوارا و نه مرگ شاعرانه امیر پرویز پویان و غسان کفانی و ویکتور خارا و میلیون‌ها انسان دیگری که بپاخاستند و بهای دفاع از حرمت انسانی خویش و انسانیت انسان را با جان خویش پرداختند. در همین فلسطین هم نه تصویری از لحظات جان‌باختن هینه در دست بود و نه از مرگ تلخ سید حسن نصرالله و یارانش. هیولای کشتار باعث شده بود تا جهانیان روز و شب تصاویر جان‌باختن کودکان و زنان و مردان بیگناه زیر آوار بمب‌ها و رگبار گلوله‌ها و در میان شعله‌های آتش شاهد باشد. این پلشت اما قهرمانانی را مسئول مرگ آنان نشان می داد که مدعی بود در گوشه‌ای از جهان پنهان شده‌اند و غیرنظامیان را به سلاخی می فرستند. ماشین رگبار هیولای فاشیستی صهیونیستی نه تنها توده‌های بی‌دفاع را سلاخی می کرد و جان‌شان را می ستاند، بلکه همچنین به کمک دستگاه اهریمنی رسانه‌های جهان تهوع‌انگیز «آزاد» آرمان‌شان

جبهه خلق برای آزادی فلسطین، با سربلندی و افتخار بسیار، به نمایندگی از دبیرکل و معاون وی، برای قهرمان و شهید فلسطینی، رهبر بزرگ ملی، مبارز، مقاوم، اسیر آزاده، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس، شهید مبارز یحیی السنوار «ابو ابراهیم» معمار حماسه طوفان الاقصی و قهرمان نبرد سیف القدس، که در درگیری قهرمانانه در رفح، در جنوب نوار غزه به همراه چند تن از همزمانش با پیوستن به کاروان شهدای بزرگ ملت و آرمان عادلانه فلسطین و عزت و آزادی خلق عرب به شهادت رسید، عزادار است.

فلسطین و آرمان مبارزه خلق فلسطین، جناح‌های مقاومت و کل ملت، رهبر بزرگی را از دست دادند که هرگز عقب‌نشینی نکرد. او عمر خود را در بحبوحه مقاومت و دفاع سرسختانه از حقوق مردم و سرزمین‌اش سپری کرد، او در زندگی خود نمونه‌ای استثنائی از یک مبارز متعهد به دغدغه‌های مردم‌اش را به نمایش گذاشت و شهادت وی در خط مقدم دفاع از فلسطین، او را به عنوان یک رهبر شکست‌ناپذیر در یاد و خاطره خلق جاودانه کرد. او در راه پیروزی یا شهادتی که در پرافتخارترین مناصب به عنوان رزمنده مدافع خلق خود به دست آورد، درنگ نکرد.

شهید بزرگوار با مجاهدت و مواضع خود نمادی از استواری، اراده، صلابت و شخصیت آهنینی بود که تسلیم و شکست را نمی‌شناخت. او نقشی پیشگام در توسعه مقاومت داشت. او به همراه گروهی از فعالان جناح‌های مختلف در رهبری جنبش زندانیان در سال‌های طولانی حبس مشارکت مؤثری داشت و مبارزات قهرمانانه‌ای را علیه مسئولان زندان انجام داد و پس از آزادی همواره بر وحدت صفوف مقاومت در برابر اشغالگری تأکید داشت.

شهید، شایستگی و شجاعت خود را در رهبری نظامی و سیاسی مقاومت به نمایش گذاشت. او از هیچ یک از اصول و منافع ملی عقب‌نشینی نکرد و صدای او در دفاع از اسرا و آرمان فلسطین بلند، و در مواضع خود ثابت قدم، و از اهمیت وحدت ملی و مقاومت مشترک آگاه بود. جبهه خلق تسلیت صمیمانه خود را به خانواده شهید فرمانده «ابو ابراهیم» و برادران جنبش حماس ابراز می‌دارد و تأکید می‌کند که خون رهبران قهرمان هدر نخواهد رفت و شهادت رهبر «سنوار» هیزم تازه‌ای بر آتش مقاومت است و خون پاک او گواه خواهد بود که این قوم شکست‌ناپذیر است، و هر زمان که دشمن بخواهد شعله مبارزه خلق را خاموش کند، عزم او بیش‌تر می‌شود. و آنگاه که دشمن گمان کند که با ترور رهبر، مقاومت را از بین می‌برد، ده‌ها رهبر جدید از خون او متولد می‌شوند، محکم‌تر و مصمم‌تر. تجربه ثابت کرده است که شهادت رهبران این روند را متوقف نمی‌کند، بلکه آن را تثبیت می‌کند و صحنه‌های تقابل را شعله‌ور می‌سازد. و این چیزی است که اتفاق خواهد افتاد. شهیدان سربلند و جاودانه‌اند و پیروزی فلسطین اجتناب‌ناپذیر است.

و آرزوهایشان را نیز به لجن می‌کشید. لحظات مرگ با شکوه سنوار لحظات اعلام پایان این وضعیت بود.

به همان اندازه که تصاویر فروپاشی برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در نیویورک در سپتامبر سال ۲۰۰۱ اعلام آغاز دوران به غایت خونبار و سیاه جهان تحت سیادت مطلقه امپریالیستی غرب بود، به همان اندازه تصاویر رزم حماسی آن مرد در آن بنای ویران پایان این دوران سیادت را بشارت داد. مرد ناتوان زخم‌خورده از جنگ و پوشیده از غباری که دست خود را از دست داد، اما عزم خود را نه. تصاویر حماسه‌ای که آفرید برای همیشه در اذهان توده‌های محرومین در سرتاسر جهان حک شده است. او برج‌فرازان جهان محرومان بود. درود بر شرافت این انسان بزرگ که نماد شرافت انسانیت بود. سنوار تجسم واقعی این حکم بود که غزه گره‌گاه خونبار سرمایه‌داری معاصر است و فلسطین امروز نه فقط برای نجات خود، بلکه برای نجات جهان مبارزه می‌کند. در برابر عظمت این مردم قهرمان و فرزندان، تنها می‌توان سر تعظیم فرود آورد. به سازمان مذهبی حماس باید تبریک گفت که چنین رهبرانی را از دل خود بیرون داده است.

به عنوان کمونیست، به عنوان مبارزانی پیگیر برای دستیابی به جهانی رها شده از چنگال خونین ستمگری سرمایه‌داری، کلاه خود را به احترام سنوار از سر برمی‌داریم و اعلام می‌کنیم که استوار و بی‌ترلز در کنار مقاومت شکوهمند مردم فلسطین و لبنان خواهیم ایستاد و هر جا که با دشمنان آنان روبرو شویم قاطعانه به مقابله خواهیم پرداخت.

درود بر مردم قهرمان غزه، درود بر مردم شریف جنوب لبنان، درود بر تمامی رزمندگان در صفوف مختلف مقاومت فلسطین سازمان تدارک کمونیستی

۲۷ مهر ۱۴۰۳

\*\*\*

#### بیانیه مطبوعاتی دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین در مورد شهادت یحیی السنوار

جبهه خلق برای آزادی فلسطین برعکس چپ‌های هپروتی و منحرف ایران، که سازمان حماس را بخاطر افکار مذهبی محکوم می‌کنند و ارتجاعی می‌نامند، با سازمان همکاری سیاسی و نظامی نزدیکی دارد و علیه قوای متجاوز متحد عمل می‌کنند. جبهه خلق که بنیان‌گزارش «رفیق جرج حبش» است از کمونیسم دفاع می‌کند اما در اتحاد سیاسی با حماس و سایر سازمان‌های مشابه نه برحسب ایدئولوژی مشترک، بلکه سیاست مشترک علیه متجاوزین صهیونیست فعالیت می‌کنند. این جبهه در مورد قتل یحیی سنوار چنین نوشته است:

«جبهه خلق برای آزادی فلسطین عزادار رهبر و سازمانده بزرگ ملی، شهید یحیی السنوار، «ابو ابراهیم» رئیس جنبش حماس، معمار حماسه طوفان الاقصی و یکی از برجسته‌ترین نمادهای مبارزه فلسطینی‌ها در جهان، است.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین

دفتر سیاسی

۱۸ اکتبر ۲۰۲۴

ترجمه و تکثیر از حزب کار ایران (توفان)

\*\*\*

یک سال بعد از «طوفان الاقصی» ایران، محور مقاومت

و اسرائیل کجا ایستاده‌اند؟ خاورمیانه آستان چه تحولاتی است؟

شانزدهم مهرماه ۱۴۰۳

مقاله بسیار ارزشمند تحلیلی در مورد سالگرد «طوفان الاقصی»، علل آن و تاثیرات جهانی ژئوپلیتیک و نقش ایران به عنوان یکی از اعضا محور مقاومت و آینده این درگیری‌ها در منطقه. نویسنده این مقاله تحلیلی «نوید م» است که نگاه صحیحی به ریشه جنگ آزادی‌بخش فلسطین علیه متجاوزین صهیونیست دارد. وی با تحلیل همه‌جانبه از جنبش‌های مقاومت رهای‌بخش فلسطین و لبنان و یمن علیه صهیونیسم و امپریالیسم حمایت می‌کند و مخالفت خود را علیه بیانیه‌های مبهم و دو پهلو و هم‌سنگ قراردادن قربانی و متجاوز و آنها که در «دو قطب» می‌خواهند بجنگند، اعلام می‌دارد. بخشی از این مقاله ارزنده را می‌خوانید:

«در یکسال پس از «طوفان الاقصی»، غزه با بمب‌های امریکائی، با خاک یکسان شده و ۴۲ هزار نفر کشته بر جای گذارده است. نزدیک به صد هزار نفر زخمی شده‌اند و پیکر حدود هشت هزار نفر هنوز زیر آوار ویرانه‌هاست. شصت درصد از کشته‌ها و زخمی‌ها زنان و کودکان‌اند.

باز گشت اسرائیل به نقطه صفر، در یکسالگی طوفان الاقصی صهیونیست‌ها امروز، در سالگرد هفتم اکتبر، به کشتارهای وحشتناکی در غزه و جنوب لبنان دست زدند. اما موشک‌های قسام امروز، برای اولین بار به تل‌آویو بزرگ اصابت کرد، خرابی و تلفات بالائی به بار آورد و ترس و وحشت را بر این شهر مستولی ساخت. موشک‌های بالستیک یمنی هم عملیات قسام را کامل کرد. حزب‌الله هم موشک‌های زیادی با بردهای مختلف به مستعمره‌های صهیونی شلیک کرد و خرابی و تلفات به بار آورد.

مقاومت جانانه فلسطین و لبنان ادامه دارد، اسرائیل لاف برنده شدن در جنگ را می‌زند. صهیونیست‌ها می‌خواهند پیروزی‌های تاکتیکی خود را در جنگ موفقیتی استراتژیک جلوه دهند. اما هرگز موفق به این کار نخواهند شد. اسرائیل به هیچ‌کدام از اهداف اعلامی خود، یعنی نابودی حماس و آزادی گروگان‌ها دست نیافته است. راهبرد اسرائیل هم‌چنان، دمار و کشتار است و هیچ امکانی برای برون‌رفت از این بن‌بست ندارد.

نتانیاهو تصمیم داشت، در سالگرد هفتم اکتبر پیروزی نهائی

خود را، بر حماس در غزه اعلام کند، اما وقایع و رویدادها مطابق میل‌اش پیش نرفت. چرا که نه تنها، یکسال پس از عملیات هفتم اکتبر گروگان‌های اسرائیلی هم‌چنان در دست حماس‌اند، بلکه حماس و دیگر مبارزان و مقاومتین فلسطینی هم‌چنان در این باریکه فعال هستند و نظامیان اسرائیلی را که گاه در کمین خود گرفتار می‌کنند.

موشک‌های القسام روز هفتم اکتبر ۲۰۲۴ گنبد کذائی آهنین را سوراخ کردند و به تل‌آویو رسیدند و نقاطی را به آتش کشیدند و آذیرهای خطر را در سراسر تل‌آویو به صدا درآوردند. این یعنی صهیونیست‌ها از به خاک و خون کشیدن مردم غزه طرفی نیست‌اند و هیچ امنیتی برای خود به ارمغان نیاورده‌اند و پس از یکسال کشتار و ویرانی باز به نقطه صفر بازگشته‌اند.

اسرائیل امروز نا امن‌تر از همیشه است. پانصد هزار نفر از ساکنان اسرائیل آواره شده‌اند. ده‌ها هزار نفر از اسرائیل طی یکسال اخیر مهاجرت کرده‌اند. اسرائیل و رژیم حاکم بر آن میان دولت‌ها و ملت‌های جهان بیش از پیش منفور شده است. خصوصاً میان ملت‌های منطقه.

بن‌بست کشنده جنگ یکساله اسرائیل در غزه (شهری که دیگر هیچ هدف مهمی برای هدف قرار دادن در آن وجود ندارد) صهیونیست‌ها را برای بن‌بست شکنی در این جنگ بی‌انتها به حمله هوائی به لبنان واداشت.

جبهه لبنان و سوریه و موشک‌های ایران

اسرائیل در ماه‌های اخیر، برای فلج کردن شبکه مقاومت ضد صهیونیستی منطقه و قطع شریان‌های حیاتی آن، دست به یک سلسه ترورهای زنجیره‌ای هدفمند، در لبنان و سوریه زد و تعدادی از مستشاران نظامی ایران و فرماندهان ارشد حزب‌الله و حماس را به شهادت رساند. اوج این شرارت‌ها، حمله به کنسول‌گری ایران در دمشق در یکم آوریل سال جاری بود، که دو هفته بعد با عملیات موشکی وعده صادق یک، جواب سهمگینی دریافت کرد و پاسخی به ایران نداد. اما ترور هنیه در تهران و به تعویق افتادن پاسخ ایران به اسرائیل، با خدعه دیپلماتیک امریکائی‌ها و پیام اردنی‌ها و عمانی‌ها و مصری‌ها و قطری‌ها، اسرائیلی‌ها را جری‌تر ساخت و سطح بازدارندگی آنها را در برابر ایران ارتقا داد. با احیای اعتماد به نفس ژنرال‌های اسرائیلی، ترورهای هدفمند با انفجار پیجرها در لبنان ادامه یافت و نقطه اوج آن، هدف قرار دادن مقر مرکزی حزب‌الله و کشتن حسن نصرالله و بیش از بیست نفر از اعضای موثر این حزب با بمب‌های سنگرشکن اهدائی امریکا بود. بعد از ترور حسن نصرالله، رجزخوانی‌های نتانیاهو و تیم آدمکش آن ادامه یافت تا آنجا که وعده تغییر نقشه ژئوپلیتیک منطقه، از دهان ژنرال‌های اسرائیلی تکرار شد و نتانیاهو آدمخوار وعده آزادی تهران را به اپوزیسیون خود فروخته و مزدور ایرانی داد اما این خوشی رژیم صهیونی - امریکائی دیری نپایید و ایران اینبار، در آستانه هفتم اکتبر، موشک‌های پیشرفته تر خود را در قالب وعده صادق دو، بر مراکز نظامی و جاسوسی اسرائیل فرو



## جنگ غزه، فاجعه محیط‌زیستی در پس یک تراژدی بشری

سرمایه‌داران و دول‌امپریالیستی غرب در طی چند سده برای تولید هر چه بیش‌تر و کسب سود به استفاده بی‌رویه از منابع رو و زیرزمینی پرداخته و به واسطه کاربرد سوخت فسیلی تأثیرات مخرب بسیاری بر محیط زیست کره‌خاکی ما و بخصوص بر محیط زیست در کشورهای مستعمره باقی گذاشته‌اند. پیامد فعالیت‌های مخرب کشورهای امپریالیستی بر محیط‌زیست به واسطه مصرف بی‌رویه سوخت فسیلی برای تولید سود هر چه بیش‌تر شامل «گرم شدن کره زمین و در نتیجه سوراخ شدن لایه اوزون، آلودگی اقیانوس‌ها و نابودی بسیاری از گونه‌ها و جانوران آبی، انقراض گسترده و از میان رفتن تنوع‌زیستی در میان گونه‌های مختلف حیوانات وحشی، آلودگی آب‌های رو و زیرزمینی و نابودی جنگل‌ها و بیابان‌زائی» است.

با ورود صهیونیست‌ها توسط دول غربی به فلسطین، این مزدوران ضدبشر برای نابودی ملت فلسطین، برای پاکسازی قومی، نسل‌کشی و مجبور ساختن فلسطینی‌ها به ترک سرزمین آبا و اجدادی خود به انواع فشارهای فاشیستی روی آوردند، «کشتار، راندن به زور اسلحه، آزار و اذیت نژادپرستانه، نابودی خانه و کاشانه فلسطینیان و حتی نابودسازی محیط‌زیست مردم بومی فلسطین» از جمله راه‌هایی بود که برای غصب سرزمین فلسطین بکار بردند.

تا قبل از ۷ اکتبر و حمله طوفان‌الاقصی صهیونیست‌ها برای نابودی ملت فلسطین علاوه بر کشتار و اخراج مرحله به مرحله فلسطینیان تلاش بسیاری نیز برای از بین بردن محیط‌زیست فلسطینیان از جمله در غزه داشت. قبل از ۷ اکتبر نیز محیط‌زیست غزه بسیار مخاطره‌آمیز بود. سال‌ها «بمباران غزه توسط اسرائیل، محدودیت‌های واردات از اسرائیل و مصر، کمبود مژمن برق و نبود امکانات در ساخت تأسیسات ضروری، عدم دسترسی کافی به آب پاک، وجود تنها سه خط لوله آب از اسرائیل به غزه و آلوده و غیر ایمن بودن ۹۷ درصد آب آشامیدنی از

بارید و به اعتراف ناظران مستقل و حتی خود اسرائیل بسیاری از این موشک‌ها به هدف اصابت کرد و بازدارنگی خدشه‌دار شده ایران بعد از ترور هنیه ترمیم شد.

آنان که حجم دهشت و ویرانی و کشتار در غزه و لبنان و کرانه باختری را نمی‌بینند و لاجرم مقاومت مشروع مردم فلسطین و لبنان در برابر تجاوز را هم در نظر نمی‌گیرند و دو طرف جنگ اسرائیل در غزه و لبنان را، هم‌سنگ می‌انگارند و با تاریخ‌زدائی از تشکیل دولت یهودی اسرائیل در سرزمین آبا و اجدادی فلسطینیان، رخداد هفتم اکتبر و نسل‌کشی متعاقب آن را، به جنگ بنیادگرایان یهودی و مسلمان فرومی‌کاهند، دچار «کوری» غیرقابل علاج شده‌اند، نوعی کوری تاریخی که با تاسی از نویسنده بزرگ پرتغالی «خوزه سارامگو» در رمان معروف کوری، می‌توانم این کوری تاریخی را نوعی «سفیدبینی» ابلهانه و غیرقابل علاج، از سمت شیفتگان امپراطوری امریکا بدانم. سفیدشوئی جنایات هفتادساله صهیونیست‌ها در منطقه ما و هیولانگاری از جنبش مقاومت فلسطین، با این نوع کوری سفیدبینه، سیاه‌هی بلند جنایات امریکا و صهیونیسم طی یکسال اخیر در غزه، باید به پای حماس نوشته شود.

پس از غرش موشک‌های ایران به سمت تل‌آویو، تب صدور بیانیه برای صلح در فضای مجازی هم بالا گرفت. گوئی تاکنون جنگ و کشتار در کار نبوده است و این موشک‌های ایران است که اوضاع را خراب می‌کند! طی یکسال اخیر ده‌ها میلیون انسان در سراسر جهان در محکومیت نسل‌کشی اسرائیل به خیابان آمدند، هزاران بیانیه در محکومیت جنگ در سراسر جهان صادر شد، اما آب از آب تکان نخورد و کشتار فلسطینیان با شدت بیش‌تر ادامه یافت.

پرسام‌شدن این بیانیه و انذارها پس از غرش موشک‌ها از سمت ایران چه معنی می‌دهد؟ موشک‌های ایران، که پس از ترور سید حسن نصرالله در بیروت و کشتار ۲۰۰۰ نفر از مردم لبنان و ویرانی ضاحیه به سمت اسرائیل شلیک شد، موشک‌هایی برای صلح و برقراری موازنه و بازدارندگی بود و نه با هدف گسترش جنگ، گزافه نیست اگر، (نگارنده‌ی این سطور به جنگ‌طلبی متهم نشود) که بگویم، در این وانفصائی که نتانیاها و تیم وحشی‌اش افسار گسیخته است، این غرش موشک‌هاست که می‌تواند صهیونیست‌ها را به پذیرش نوعی موازنه و برقراری آتش‌بس وادار کند نه بیانیه‌ها و امضاها. بیانیه‌ها و امضاهائی که بیش‌تر برای دلخوشی در فضای مجازی منتشر می‌شود و در زمین سخت واقعیت تأثیری ندارد. خویشتن‌داری و صبر استراتژیک ایران در چند دهه اخیر در برابر توطئه‌های امپریالیسم و صهیونیسم شهره خاص و عام است، اما در تقاطع‌های استراتژیک و پیچ‌های تند تاریخی، خویشتن‌داری و صبر استراتژیک، برای ایران بازدارندگی به‌بار نمی‌آورد.

توپ کاهش تنش و برقراری آتش‌بس و نهایتاً برقراری صلح در منطقه غرب آسیا، اکنون در زمین امریکا و متحدانش است، نه در زمین ایران...\*

لحاظ بهداشتی، شکننده بودن زیرساخت‌های مدیریت پسماند و آب از قبل که منجر به سوزاندن بی‌رویه زباله در محل‌های دفن و در نتیجه آلودگی هوا و خاک و آب‌های زیرزمینی ناشی از نشت زباله می‌شد. همگی به نابودی محیط‌زیست فلسطینیان در غزه منجر می‌شد.

و هم‌اکنون در حالی که کمی بیش از «یکسال از جنگ غزه می‌گذرد و در این یکسال نزدیک به ۵۰ هزار نفر انسان کشته شده است. در پس این تراژدی عظیم انسانی، جنگ غزه فاجعه‌ای محیط‌زیستی را شکل داده است که حیات مردم غزه را تهدید می‌کند. مرگ و میر ناشی از آلودگی‌ها در غزه در غبار تعداد کشته‌شدگان مستقیم بمب‌ها و خمپاره‌ها و گلوله‌ها گم شده است». نابودسازی محیط‌زیست به عنوان سلاحی در دست اسرائیل علیه فلسطینی‌ها در غزه و سرزمین اشغال شده فلسطین، در طول هشت دهه بکار رفته است. «نبود آب و برق، سیل فاجعه‌بار در مناطق متراکم شهری، ناامنی غذایی که با افزایش شدید دما و کاهش بارندگی، تأثیر طولانی مدت مواد شیمیایی سمی تشدید می‌شود». اینها همان چیزی است که شرایط خطرناکی را در آینده نزدیک برای غزه بوجود خواهد آورد. صدمات محیط‌زیستی بی‌شمار جنگ به دلیل مقدار زیاد گرد و غبار سمی منتشر شده توسط بمباران ساختمان‌ها، خرابی مدیریت پسماند، و تخریب تاسیسات تصفیه آب و گسترش بیماری‌های ناشی از آب آلوده، فلسطینی‌های غزه را با شدیدترین تهدیدها مواجه ساخته است.

صهیونیست‌ها با کشف اخیر ویروس فلج اطفال در فاضلاب غزه، قبل از اینکه با یک کمپین واکسیناسیون برای کودکان زیر ۱۰ سال فلسطینی موافقت کنند، اقدام به ارسال واکسن‌های تقویت کننده فلج اطفال برای سربازان اسرائیلی کرد. وضعیت محیط زیست غزه در حال حاضر به شدت نگران کننده است، زیرا تا آوریل، ۳۷ میلیون تن آوار ناشی از تخریب ساختمان‌ها در سراسر نوار غزه تولید شده بود. هنگامی که ساختمان‌ها آسیب می‌بینند یا فرو می‌ریزند، ابرهایی از دود مضر، گرد و غبار سمی و دود وارد محیط می‌شوند. همچنین در غزه، آزیست (پشم شیشه) که به شکل گرد و غبار بسیار سرطان زاست، معمولاً در ساخت و ساز استفاده می‌شود که خطر ابتلا به سرطان را از طریق استنشاق افزایش می‌دهد.

ارتش اسرائیل همچنین از فسفر سفید، یک سلاح آتش‌زا، که بسیار سمی است، استفاده کرده است. در نتیجه، مردم غزه با وخیم‌ترین خطرات بهداشتی روبرو هستند، و البته تمام موجودات زنده در منطقه همچنان از پیامدهای آن برای سال‌های آینده رنج خواهند برد.

از ۷ اکتبر تاکنون، ده‌ها هزار تن زباله خانگی در خیابان‌ها و محل‌های دفن غیررسمی انباشته شده است که باعث و بانی آلودگی خاک و آب‌های زیرزمینی شده است و همچنین رشد بیش از حد جلبک‌ها در امتداد ساحل را باعث شده که محیط زندگی آبزیان را به خطر انداخته است. و وجود زباله

همچنین باعث جذب حیواناتی مانند موش‌ها شده است که می‌توانند بیماری‌ها را به انسان منتقل کنند. دما و رطوبت بالا در فصل تابستان در غزه نیز شرایط مناسبی را برای رشد و تکثیر باکتری‌ها ایجاد کرده است. و تمام این‌ها در حالی است که با بمباران مداوم بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و بهداشتی غزه، فلسطینی‌ها از زمان شروع جنگ نتوانسته‌اند به مراقبت‌های مناسب بهداشتی و درمانی دست پیدا کنند و به همین دلیل بعید نیست که ما در آینده شاهد اپیدمی‌های خطرناک در غزه و سرتاسر فلسطین باشیم.

آلاینده‌هایی که شامل مواد رادیواکتیو و سرطان‌زا، فلزات سنگین، آفت‌کش‌ها و سایر مواد شیمیایی هستند، هم از طریق استفاده از مهمات نظامی و هم در اثر تخریب ساختمان‌ها منتشر می‌شوند، در محیط‌زیست باقی می‌مانند و تهدیدی برای همه اشکال حیات از جمله حیوانات، پوشش گیاهی، خاک، هوا و منابع آب می‌باشد و اکوسیستم‌ها را به خطر می‌اندازند. یکی از اکوسیستم‌هایی که به ویژه توسط روان‌آب زباله‌های سمی تهدید می‌شود، وادی غزه است که ذخیره‌گاه طبیعی بخشی از سیستم رودخانه‌ای در نوار غزه است که در انتها به دریا می‌ریزد.

آب غزه مدت‌هاست توسط اسرائیل کنترل می‌شود، وضعیت از قبل بسیار شکننده بود، اما با جنگ به شدت بدتر شده است. زیرساخت‌های آسیب‌دیده یا تخریب شده شامل چاه‌های آب آشامیدنی، شبکه‌های آب مانند پمپ‌ها و برج‌ها، تأسیسات بهداشتی، شبکه‌های فاضلاب، کارخانه‌های آب‌شیرین‌کن، خروجی‌های فاضلاب و تصفیه‌خانه‌های فاضلاب هستند و کمبود سوخت باعث شده است که هر پنج تصفیه‌خانه فاضلاب غزه و اکثر ۶۵ ایستگاه پمپاژ فاضلاب آن غیرقابل استفاده شوند. هم‌اکنون مردم مجبور به مصرف آب شور و آلوده و استفاده از آن برای پخت و پز، نظافت و بهداشت فردی می‌شوند و پیامدهای بهداشتی نوشیدن آب آلوده به ویژه برای کودکان که ۴۷ درصد از جمعیت غزه را تشکیل می‌دهند، فاجعه‌بار است. خطر ابتلا به وبا، تیفوئید، فلج اطفال و سایر بیماری‌های مرتبط با آب به طور قابل توجهی افزایش یافته است.

حتی اگر امروز جنگ پایان یابد، برآوردها نشان می‌دهد که علاوه بر آنچه در زمان جنگ به نابودی محیط‌زیست آسیب رسانده است، ۳۰ میلیون تن گازهای گلخانه‌ای در طول ساخت و ساز برای بازسازی پس از جنگ در غزه برای بازسازی ۱۰۰۰۰۰۰ ساختمان ویران‌شده، تولید می‌شود، که نتیجه فعالیت‌هایی مانند تولید بتن و فولاد، حمل و نقل مواد، عملیات ماشین‌آلات و... است. برای پایان دادن به جنایات صهیونیست‌ها و اربابان آنگلساکسون آنها، تنها راه ادامه نبرد توفان‌الاقصی تا پیروزی است.

منبع گزارش را در لینک زیر ملاحظه فرمائید  
<https://www.envnew.ir/?p=2480>



فراهم خواهد آورد و امنیت مرزها را دو صد چندان خواهد کرد. پایان دادن به خصوصی سازی‌ها، بویژه در حوزه «آموزش و پرورش» و «بهداشت و درمان» کمک به قوت بخشیدن به پشت جبهه جنگ است و به مرحله عمل گذاشتن آن اگرچه بعید است، ولی عاقلانه‌ترین سیاستی خواهد بود که مسئولان می‌توانند در پیش بگیرند.

ولی با تأسف جمهوری سرمایه‌داری اسلامی از عقلانیت به دور است و کارگران و زحمتکشان خود می‌بایست با مبارزه پیگیر و آگاهانه در این جهت پیکار کنند و با ایجاد تشکلات مستقل خود مسئولان حکومتی و سرمایه‌داران را به عقب‌نشینی وادارند، تا مطالبات برحق خود را بدست آورند و میهن خود را از شر تمامی دشمنان داخلی و خارجی نجات دهند. کارگران شاغل و بازنشسته و دیگر زحمتکشان در مهر ماه به مبارزات خود ادامه دادند و برگ‌های زرین دیگری به دفتر مبارزاتی خود افزودند. در ادامه به بررسی بخشی از این رخدادهای مبارزاتی در ماه گذشته می‌پردازیم.

### نفت، گاز و پتروشیمی

کارگران و کارکنان رسمی، پیمانی، ارکان ثالث و شاغل در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی در جای جای ایران، در شرکت‌ها و مجتمع‌های صنعتی، پژوهشی، استخراج، پالایش و ... («پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی»، «نفت فلات قاره ایران»، «نفت و گاز پارس»، «سکوی‌های عملیاتی»، «پالایشگاه‌ها»، «پژوهش و فناوری پتروشیمی»، «مناطق نفت خیز جنوب»، «نفت گچساران»، «عسلویه»، «پارس جنوبی») همچون ماه‌های گذشته در طول مهرماه نیز در روزهای مختلف به طور سراسری و یا تنها در یک محل کار، دست از کار کشیدند و تجمع کردند و یا در اعتراض به حقوق غصب شده خود و همکارانشان تنها به تجمع اعتراضی دست زدند و خواستار رسیدگی مسئولان به مطالبات خود شدند. عدم پاسخگویی به مطالبات کارگران در صنعت نفت و گاز نیز همچون دیگر بخش‌های عرصه تولید، توزیع، آموزش و ... باعث شده است انبوهی از مطالبات بر زمین مانده در اعتراضات کارگران طرح و فریاد زده شود که از اهم این مطالبات می‌توان به «حذف کسورات حقوق، پرداخت کامل سنوات بازنشستگی، اجرای کامل مفاد ماده ۱۰، پرداخت بک پی ماده ۱۰، واریز مابه‌التفاوت کسورات بازنشستگی و ...» در رابطه با کارگران رسمی و «بازگشت به کار حجت رضایی، نماینده اخراجی کارگران (خوشبختانه در روز دوم آبانماه ایشان به کار بازگشت)، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل برای تمام کارگران، تغییر شرایط تردد و دستمزد رانندگان استیجاری، اجرای بدون تبعیض ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت و ...» برای کارگران ارکان ثالث و پیمانی) اشاره کرد.

کارگران رسمی اولین تجمع سراسری خود را در مهرماه در دومین روز ماه برگزار، و آخرین تجمع خود را نیز در آخرین روز ماه برگزار کردند و با ادامه آن در اولین روز آبان، مبارزات



## در جبهه نبرد طبقاتی

### مروری بر اخبار و گزارشات کارگری مهرماه ۱۴۰۳

مهر ماه اگر همیشه با رفتن کودکان به مدرسه و آغاز راهی پر تلاش، بعد از تابستان گرم آغاز می‌شد، اما امسال با مرگ کارگران معدن و تنها ماندن دانش‌آموزانی در طبس آغاز شد. در حالی که خطر وجود یک جنگ فراگیر در منطقه وجود دارد، کشور درگیر مسائلی است که حکم پاشنه آشیل را برای ایران دارد. باز بودن دست سرمایه‌داران و مسئولان در «اخراج کارگران، عدم پرداخت و یا به تعویق انداختن چند ماهه حقوق، عیدی و مزایای مزدی، نابودی امنیت شغلی، معیشتی، ایمنی محیط کار، و پرتاب اکثریت کارگران و زحمتکشان به دره فقر و ...» شرایط خطرناکی را بوجود آورده است که گذر از آن وابسته به تغییر سیاست در برخورد با زحمتکشان را نیاز دارد. مسئولان جمهوری اسلامی، که تا به حال نخواسته‌اند به سرعقل بیایند و گشایشی در زندگی کارگران و زحمتکشان ایجاد کنند، در صورت وقوع جنگ با پشت جبهه ضعیفی روبرو خواهند شد. می‌بایست به سیاست‌های نئولیبرالی، که مساوی است با بی‌حقوقی کامل کارگران، پایان داده شود، تا امکان مانور امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها از بین برود یا تضعیف گردد. امکان ایجاد تشکلات کارگری می‌تواند در زمان جنگ به بسیج کارگران و مردم میهن‌دوست علیه دشمن خارجی کمک کند.

محدود ساختن الیکارهای اتاق بازرگانی فضای تنفسی برای مردم ایجاد خواهد کرد و به مبارزه علیه دشمن خارجی یاری خواهد رساند. ممانعت از افزایش ارزش دلار در مقابل ریال و افزایش حقوق‌ها اگرچه به نارضایتی سرمایه‌داران نئولیبرال منجر خواهد شد، ولی رضایت کارگران و زحمتکشان را

## پرستاران و کادر درمان

بهداشت و درمان یک جامعه برای ایجاد و حفظ سلامتی آحاد جامعه لازم است و به همین دلیل نیازمند یک سیستم سالم برای هدایت و اجرای برنامه‌های عمومی سلامت و درمان است. ولی از آنجا که سیاست‌ها و برنامه‌های رژیم سرمایه‌داری اسلامی، جز برای سود هرچه بیش‌تر در نظر گرفته نشده، تماماً در خدمت سودآوری مشتی نئولیبرال، که همچون انگلی از خون جامعه ارتزاق می‌کنند، درآمده است.

پرستاران و دیگر کادر درمان کشور علی‌رغم جانفشانی در راه ایجاد و حفظ سلامت مردم، با قراردادهای کوتاه‌مدت و حقوق‌های چند برابر زیر خط فقر دست و پنجه نرم می‌کنند و بواسطه نداشتن امنیت شغلی و معیشتی تحت فشار مضاعف روحی قرار گرفته‌اند.

فشارهای اقتصادی و روحی ناشی از محیط کار و زندگی در شرایط فقر رو به تزاید، امان‌شان را بریده و آن‌ها را برای بدست آوردن یک زندگی شایسته به کف خیابان کشانده است. در مهر ماه نیز پرستاران، کادر درمان و دانشجویان رشته‌های علوم بهداشت و پزشکی در ادامه تجمعات گذشته خود در شهرهای یزد، تهران، زنجان، مشهد و ... در بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، مقابل وزارت بهداشت و یا استانداری‌ها دست به تجمع زده و خواستار رفع تبعیض‌ها، افزایش پرداختی تعرفه‌گذاری، حقوق، مزایا، پرداخت معوقات، تامین نیروی انسانی، ممنوعیت اضافه کار اجباری و رسیدگی به دیگر مطالبات خود شدند.

## کارگران صنوف دیگر

با خصوصی‌سازی و دادن مجوز به کارفرمایان در نایمن‌سازی محیط کار، بعد از نابودی امنیت شغلی، معیشتی و بواسطه آنها نابودی امنیت روحی و روانی، امنیت جانی را نیز از کارگران گرفته و آمار مصدومیت و مرگ کارگران را بیش از پیش کرده‌اند. ده‌ها کشته و مصدوم در یکی از کارگاه‌های شرکت زغال سنگ «معدن‌جو در طبس»، بار دیگر باطل بودن سیاست‌های ضد کارگری سرمایه‌داران نئولیبرال را مقابل دید همگان گرفت و نشان داد که مشکل بزرگ سیاست‌گذاری در نظام مقدس، طرح و اجرای سیاست‌های ضدانقلابی نئولیبرالی است. بی‌توجهی کارفرمایان و مسئولان نسبت به جان کارگران، در تمامی گروه‌های کارگری، خصوصاً معدن و ساختمان‌سازی، سبب مرگ و مصدومیت کارگران می‌شود. ولی این اتفاق ناگوار (که نه اولین بود و نه آخرین خواهد بود، اگر کارگران با اتحاد خود نتوانند مسئولان را به رعایت اصول ایمنی در کارگاه‌ها مجبور سازند)، موجب اتحاد کارگران شاغل و بازنشسته در اقصی نقاط کشور شد و علاوه بر همدردی با بازماندگان کارگران طبس، مطالبه ایمن‌سازی محیط کار را به خواسته‌ای عمومی در بین کارگران تبدیل ساخت.

در روزهای مختلف مهرماه «کارگران معدن در «طرز»»، «زرد» و «باق» کارکنان مخابرات تبریز، اپراتورهای برق

خود را پی گرفتند، و کارگران ارکان ثالث و پیمانی در ماهشهر با ادامه اعتراض خود، که روزهای پایانی شهریور آغاز کرده بودند، مبارزه خود را در مهر ماه ادامه دادند، و کارگران پیمانی پالایشگاه‌ها پارس جنوبی «عسلویه» با پی گرفتن تجمعات متوالی خود در سه شنبه‌های هر هفته، از هشتمین تا دوازدهمین تجمع خود را نیز در مهر ماه برگزار کردند. از دیگر حرکات اعتراضی قابل توجه، شرکت کارگران و کارکنان رسمی صنعت نفت، ساکن در شهرک مسکونی جم در بوشهر است که همراه با اعضای خانواده خود در تجمعات حاضر شدند.

اگر چه در میان بعضی از کارگران، تشکلهائی برای هماهنگی و پیش‌بردن اعتراضات وجود دارد و آینده روشن و خوبی را در مقابل کارگران مبارز قرار می‌دهد، ولی نبود سندیکاهای مستقل کارگری و عدم ارتباط و هماهنگی کامل توسط یک اتحادیه سراسری، باعث شده است تا موفقیت و پیروزی کارگران در رابطه با تمامی مطالبات در دسترس نباشد و تا رسیدن به خواست‌های محقانه کارگران راه دور و دراز مبارزاتی در پیش باشد و این خود وظیفه کارگران پیشرو را برای بوجود آوردن تشکلات مستقل و سراسری، به امری برای امروز تبدیل کرده است!

## فرهنگیان

آغاز فصل پاییز و شروع ماه مهر، عجین شده است با نگرانی خانواده‌ها به خاطر مشکل تهیه لوازم تحریر، کتب درسی و کیف و کفش و لباس دانش‌آموزان. علاوه بر تمام مشکلات خانواده‌ها، که ناشی از گرانی و مخارج کمرشکن است، معضل دیگر، مشکلات مدارس و آموزگاران است که نتیجه سیاست‌های نئولیبرالی و خصوصی‌سازی آموزش و پرورش است. معلمان و دیگر فرهنگیان نیز همچون دیگر زحمتکشان این مرز پرگهر! سال‌هاست که گرفتار عدم وجود امنیت شغلی و معیشتی هستند و به همین دلیل برای به دست آوردن «قراردادهای دائمی» و «حقوق‌های بالای خط فقر» به رزم بی‌امانی روی آورده‌اند. در مهر ماه امسال نیز فرهنگیان برای مجانی‌بودن آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان و همچنین برای بدست آوردن «مقام درخور» فرهنگیان برای خود، به تجمعات اعتراضی دست زدند، تا بلکه گوش شنوایی بیابند.

در این ماه «کارنامه سبزها»، «آموزش‌دهندگان نهضت سوادآموزی»، «دانشجویان دانشگاه آزاد» و «بازنشستگان فرهنگی» مقابل نهاد ریاست جمهوری و مقابل وزارت آموزش و پرورش در روزهای مختلف، تجمعات اعتراضی برگزار کردند که متأسفانه به دلیل پراکندگی نیروها و نبود تشکلی با برنامه صدای فرهنگیان به گوش مسئولان فرو نرفت و مطالبات‌شان کماکان بر زمین ماند.

## بیانیه مطبوعاتی جبهه خلق در مورد حمله نظامی اسرائیل به ایران

**جبهه خلق: تجاوز صهیونیست‌ها به ایران جنایتی جدید و بخشی از تجاوزات استعماری علیه خلق‌هاست.**

جبهه خلق تأکید می‌کند که تجاوز صهیونیست‌ها به ایران جنایتی جدید و بخشی از زمینه‌سازی تجاوزات همه‌جانبه استعمار علیه خلق‌های منطقه است و همبستگی کامل خود با ایران، مردم و رهبری آن و حمایت خود را از حق کامل ایران برای دفاع از خود و مجازات رژیم صهیونیستی اعلام می‌دارد. جبهه خلق تأکید می‌کند که این تجاوز، که با هماهنگی و مشارکت ایالات متحده آمریکا انجام شده است، با تأکید بر اینکه ایران حضور و جایگاه خود را به عنوان یک عامل بازدارنده مقابل دشمن جنایتکار در دفاع از خلق خود و خلق‌های منطقه ثابت کرده است، در رسیدن به اهداف‌اش شکست خواهد خورد.

نتانیاهو جنایتکار جنگی با گسترش دامنه جنایات خود در منطقه به دنبال راه اندازی این تجاوز و سپس اغراق در نتایج آن برای جلب رضایت افکار عمومی صهیونیست‌ها و خودنمایی بود، به ویژه پس از اعترافات اشغالگران و متحدان‌شان به اینکه موفق به تضعیف جناح‌های محور مقاومت و ادامه مواضع ایران در حمایت مستمر از مقاومت در غزه و لبنان نشده‌اند.

این اشغال با خون بی‌گناهان و بی‌دفاعان نوار غزه و جنوب لبنان قوام می‌یابد و با خون آنها می‌کوشد ضعف واقعی در توان بازدارندگی خود و معادلات جدید ایجاد شده توسط محور مقاومت را جبران کند.

جبهه خلق معتقد است که نظام استعماری متوجه شده است که کوتاه‌ترین راه برای جلوگیری از تشدید همه‌جانبه در منطقه، توقف تجاوز به غزه و لبنان و عقب‌نشینی همه‌جانبه از نوار غزه است. با توجه به ناکامی رژیم صهیونیستی در دستیابی به اهداف خود، در شکستن اراده جناح‌های مقاومت، که بر ادامه نبرد برای حمایت از غزه اصرار دارند، با شکست روبرو شده است.

جبهه خلق بر حمایت همه‌جانبه خود از ایران و جناح‌های محور مقاومت در مواجهه با تجاوزات جاری تأکید می‌کند و توانایی و آمادگی همیشگی آن‌ها را برای پاسخ‌گویی به هر گونه تجاوزی در مقابله با اشغالگران صهیونیست را و هر کس از آن حمایت کند، می‌ستاید.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین  
اداره مرکزی اطلاعات  
۲۶ اکتبر ۲۰۲۴

در شیراز و تهران، کارگران فولاد اهواز، کارگران شهرداری در مریوان، ایزده، مکران و خاش، کارگران کارخانه سیمان لامرد، کارگران شرکت مادکوش در بندرعباس و کارگران پیمانکاری شرکت آسفالت توس» در اعتراض به مطالبات پاسخ داده نشده خود، (تبعیض در حقوق و مزایا، تاخیر در پرداخت حقوق ماهانه و مطالبات معوقه، حقوق‌های زیر خط فقر، عدم دریافت کارانه یا پاداش تولید، نداشتن امنیت شغلی، خواست حذف پیمانکاران و بستن قرارداد مستقیم، مشکلات مربوط به بیمه، سختی کار، محروم بودن از بازنشستگی پیش از موعد، بی‌توجهی به مطالبات، مطالبه بازگشت به کار کارگران اخراجی، ایجاد کار برای بیکاران، حذف اضافه کار اجباری و ... ) دست به اعتصاب، تجمع و راهپیمایی در محیط کار و یا مقابل وزارتخانه‌ها، مجلس، استانداری‌ها و یا مقابل دفاتر نمایندگان مجلس و دیگر ساختمان‌های دولتی زدند و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

### بازنشستگان

بازنشستگان تأمین اجتماعی، معدن و فولاد، مخابرات و ... در زمانی که می‌بایست با آسودگی خیال به استراحت بپردازند و با داشتن اندوخته‌ای هر چند کم، با سربلندی در میان اطرافیان و فرزندان و خود زندگی کنند، با تنی رنجور در خیابان به جنگ پامال کنندگان منافع ایران و ایرانی، رفته‌اند.

بازنشستگان، که از بی‌توجهی به مطالبات خود و ظلم و اجحاف در حق خود خشمگین‌اند، مقاوم و پی‌گیر برای بدست آوردن مطالبات خود در استان‌های اصفهان، خوزستان، مازندران، تهران، کرمانشاه، کرمان، گیلان، کردستان، لرستان، خراسان رضوی، زنجان، اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی، فارس، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، هرمزگان و ... در روزهای یکشنبه، دوشنبه و سه‌شنبه تمام هفته‌ها تجمعات باشکوهی برگزار کرده و خواستار «صدور احکام متناسب‌سازی، بهبود خدمات رفاهی، تأمین درمان رایگان و مستمری‌های بالای خط فقر و ...» شدند. بازنشستگان راهی جز ادامه اعتراضات خود در کف خیابان ندارند زیرا که مسئولان جز به چپاول نمی‌اندیشند

\*\*\*

مبارزه را پایانی نیست تا آن زمان که تمامی زحمتکشان متحد و متشکل تحت رهبری طبقه کارگر و حزب پیشتازش به زندگی شایسته و انسانی دست یابند.

## چاره زحمتکشان وحدت و تشکیلات است!



## حمله هوایی و تبهکارانه رژیم صهیونیستی اسرائیل به ایران را شدیداً محکوم می‌کنیم

اطلاعیه روابط خارجی حزب کار ایران (توفان) ارسال  
به کنفرانس بین‌المللی احزاب برادر

سرانجام بامداد امروز ۲۶ اکتبر، رژیم صهیونیستی و جنگ افروز اسرائیل پس از هفته‌ها تعلل و اما و اگرها و جنگ روانی، حمله هوایی را با تایید و همکاری امپریالیسم جنایتکار آمریکا در اقدامی تنش‌زا، نقاطی از مراکز نظامی در استان‌های تهران، خوزستان و ایلام را آغاز کرده است.

اگرچه تا کنون از کم و کیف این حمله و خسارت وارده به ایران اطلاع دقیقی در دست نیست، اما این حمله تروریستی را، که می‌تواند آغاز یک جنگ بزرگ منطقه‌ای و خانمان‌سوز باشد، حمله‌ای غیرقانونی و نقض حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران می‌دانیم و آن را به شدت محکوم می‌کنیم.

این حمله در راستای تضعیف نبرد عادلانه ضدصهیونیستی و ضدتجاوز کارانه جبهه مقاومت، در لبنان، فلسطین و یمن صورت گرفته و می‌گیرد و آن را به شدت محکوم می‌کنیم.

جنگی که اسرائیل مدت‌هاست علیه ایران در اشکال مختلف آغاز کرده است، جنگی تهاجمی، غیرقانونی، غیرعادلانه و راهزانه و ناقض تمام قوانین بین‌المللی و در چهارچوب منافع امپریالیستی و نظم ارتجاعی و استعماری صورت گرفته و حزب ما آن را شدیداً محکوم می‌کند.

پاسخ نظامی ایران به رژیم صهیونیستی اسرائیل، جنگی تدافعی، مشروع و عادلانه و دفاع از تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی ایران و در چهارچوب قوانین بین‌المللی قابل قبول و دفاع از خود تعریف می‌شود.

دست رژیم صهیونیستی اسرائیل از ایران و منطقه کوتاه! نه به تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی اسرائیل به ایران!

روابط خارجی حزب کار ایران (توفان)

۲۶ اکتبر ۲۰۲۴

## سیاست درست و انقلابی در قبال جنگ کدام است؟

کمونیست‌ها و هر انسان وطن‌دوست و آزادی‌طلب، میان جنگ‌های رهائی‌بخش ملی، که برای رهائی و استقلال مردم و سرزمین خویش از زیر ستم و اشغال بیگانگان استعمارگر پیکار می‌کنند، با جنگ‌هایی که امپریالیست‌ها و متجاوزان برای تصرف زمین و غارت ثروت و منابع کشورهای دیگر به راه می‌اندازند، تفاوت بنیانی قائل‌اند و با همان حرارتی که از اولی دفاع می‌کنند، علیه دومی اعتراض و به هر طریقی به مبارزه برمی‌خیزند.

کمونیست‌ها فی‌نفسه با هر جنگی و صرفاً به خاطر جنگ، مخالفت نمی‌کنند. معیار و محک آنها این است که آیا جنگ از جانب خلق‌های تحت ستم صورت می‌گیرد یا از جانب جنگ‌افروزان غارت‌گر، آیا ماهیت جنگ، که ادامه سیاست با زبان اسلحه است، از طرف کدامیک از طرفین درگیر در جنگ قانونی، رهائی‌بخش و عادلانه و یا غیرقانونی و غیرعادلانه و تجاوزگرانه است. در بستر چنین تحلیل درست و انقلابی است که در دفاع از عدالت و آزادی و بر علیه ظلم و اسارت، حکم صادر می‌کنند. آنهایی که هر نوع جنگی را فی‌نفسه و قطع نظر از انگیزه و سیاست حاکم بر جنگ، آن را محکوم می‌نمایند و از دیدگاه «انساندوستی و صلح» علیه جنگ موعظه می‌کنند، آگاهانه و یا از روی نادانی در سمت و به نفع متجاوز گام برمی‌دارند!

تاریخ نشان داده است که امپریالیست‌های غربی و در رأس همه



## حملات جنون آمیز و ضد بشری به لبنان، ناشی از استیصال و درماندگی رژیم متجاوز و صهیونیستی اسرائیل است

رژیم صهیونیستی و تبهکار اسرائیل علاوه بر نسل کشی و جنایات گسترده در غزه و لبنان، حمله به اردوگاه آوارگان و مناطق مسکونی در غزه و لبنان، در حال اقدام به ارتکاب جنایات جدیدی است. ارتش متجاوز اسرائیل اخیراً حمله به بانک‌های لبنانی را به بهانه تأمین مالی حزب الله در دستور کار قرار داده‌اند. افزون بر آن نیمه شب یکشنبه و در آستانه سفر «هوکشتاین»، نماینده ویژه «بایدن» به لبنان، جنگنده‌های صهیونیستی اقدام به بمباران مناطقی در حوالی فرودگاه بیروت نمودند، تا نشان دهند مرزی برای جنایت قاتل نیستند. تصاویر منتشر شده از حمله جنگنده‌های اسرائیلی به حوالی فرودگاه بیروت تداعی گر فیلم‌های جنون آمیز ارتش نازی در جنگ جهانی دوم است. در یکی از این تصاویر و در زمان فرود یک هواپیمای مسافری در فرودگاه بیروت، دود و آتش ناشی از حملات صهیونیست‌ها به آسمان بلند شده است. این در حالی است که مطابق قوانین بین‌المللی حمله به فرودگاه‌های مسافری و غیرنظامی ممنوع است. معاهده ایکائو (سازمان بین‌المللی هواپیمائی) دولت‌ها را از هدف گرفتن و به خطر انداختن جان مسافران هواپیماهای غیرنظامی منع کرده است. در مجمع

آنها امپریالیسم آمریکا، این بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن بشریت، علاوه بر دو جنگ جهانی اول و دوم، انواع جنگ‌های بی حد و حصر و لاینقطع دیگر را در قاره آسیا، افریقا و آمریکا لاتین به ملل و کشورهای جهان تحمیل کرده‌اند.

به عنوان نمونه بیش از یکسال است که امپریالیسم آمریکا با کمک‌های مالی و با پیشرفته‌ترین سلاح‌ها، سگ‌ها و وحشی خود، اسرائیل، را به جنگ فلسطینیان در باریکه غزه با هدف پاکسازی قومی و یا اهداف به ظاهر پنهانی دیگر گسیل نموده، بلکه باقیمانده سرزمین فلسطین به وسعت حدود ۳۶۰ کیلومتر مربع را به بقیه خاک غصبی اسرائیل بیفزاید.

این تجاوز و این کشتار در غزه را دیگر نمی‌توان جنگ میان دو کشور نامید. این جنگی است تحمیلی، فاشیستی و نابودگر علیه مردمی بی سلاح، بی پناه و بی گناه که بی وقفه در طی ۷۵ سال سرکوب و کشتار شدند و ارتش فاشیست اسرائیل در طی این سال‌ها ۸۰ درصد از زمین‌هایشان را به عنف اشغال نمود و اینک بعد از یکسال بمباران و موشک باران و قتل ده‌ها هزار نفر به مرحله آچمز رسیده است. زیرا که اسرائیل، سگ‌ها آمریکا و با کمک صاحب‌اش، به اهداف‌شان دست پیدا نکردند. نه توانستند گروگان‌ها را آزاد کنند، نه حماس و دیگر مبارزان فلسطینی را نابود کنند و نه ملت فلسطین را از پای در آورند و دست از پا دراز تر بی تکلیف ماندند و در باتلاق غزه بر سر یکدیگر فریاد می‌کشند و تلفات می‌دهند.

وجدان بشریت و دیالکتیک تاریخ حکم می‌کند که باید متجاوز را با هر وسیله و با هر سلاحی از سرزمین مادری و از خانه و کاشانه بیرون کرد. در این کارزار و در این جنگ یکطرفه، سکوت، پاسیو بودن و از «هومانیسم» سخن راندن نوعی خیانت و به نفع متجاوز است! اما وقیح‌ترین و دغلكارترین مردمان، کسانی هستند که با لفاظی‌های «چپ» در دفاع از سگان‌ها و آدمکشان بین‌المللی، اراجیف و چرندیاتی را در نشریات و سخنان‌شان به هم می‌بافند که اوج خیانت و وطن‌فروشی‌شان را به نمایش می‌گذارند. جماعتی تحت نام «حزب کمونیست کارگری ایران» به رهبری «حمید تقوائی»، فرقه خائن «مریم رجوی»، دارودسته «رضاهلوی» کودتازاده، انواع پیروان «منصور حکمت»، «چپ»‌های واداده و ضد کمونیست و تروتسکیست‌های خائن!

بدون شک تاریخ و بشریت آگاه لعنت ابدی را نثارشان خواهد نمود!!

دروود و افتخار ابدی بر مبارزان راه آزادی، استقلال و سوسیالیسم در سراسر جهان باد! \*



## ادامه اعتراض جهانی به تداوم نسل کشی در غزه و کشتار مردم لبنان، بسیج افکار عمومی مردم جهان یک ضرورت تعطیل ناپذیر

در حالی که نسل کشی اسرائیل در غزه پس از یکسال همچنان ادامه دارد و بمباران لبنان و کشتار مردم بی گناه ابعاد فاجعه باری یافته است، هزاران زن و مرد معترض با گرایشات مختلف سیاسی و تطورات اتنیکی و مذهبی در سراسر جهان با برگزاری اکسیون‌های گوناگون در شهرهای مختلف دنیا به میدان آمدند تا به تداوم نسل کشی مذکور، که عمدتاً با سلاح‌های آمریکائی و آلمانی و اروپایی انجام می‌گیرد، اعتراض کنند. آنها در ملبورن استرالیا، در شهرهای سوئد، گوتنبرگ، مالمو، نورشوپینگ، وستروس، لین شوپینگ استکهلم، بارسلونا و تاراگونا در اسپانیا، زوله و اوترخت در هلند، کپنهاگ، پایتخت دانمارک، لندن، سوالول و لیدز در بریتانیا، چند شهر کانادا، نروژ و شماری از شهرهای آمریکا شامل منیاپولیس، مینه سوتا، فیلادلفیا، پنسلوانیا، شیکاگو، اینویز، شهر نیویورک، الیزابت، نیوجرسی، یوجین در ایالت اورگن، اوکلند و سانفرانسیسکو در ایالت کالیفرنیا، سنت آنتونیو در ایالت تگزاس، واشنگتن دی سی و در شهرهای فرانکفورت، دوسلدورف، برلن، کلن، بن و چند شهر دیگر تظاهرات کردند در پاکستان و هندوستان

عمومی ایکائو در سال ۱۹۸۴ بندی تحت عنوان ماده سه افزوده شد که در آن به صراحت دولت‌ها را ملزم کرد از به کار گرفتن اسلحه علیه هواپیماهای مسافری و به خطر انداختن امنیت و جان مسافران این هواپیماها پرهیز کنند. علاوه بر آن قوانین بین‌المللی بشردوستانه (IHL) حمله به اشیاء غیر نظامی را ممنوع اعلام کرده است، زیرا قوانین بشردوستانه را نقض می‌کند. اکنون رژیم متجاوز اسرائیل در حالی که دم از پیگیری مذاکرات آتش‌بس می‌زند و «آموس هوشکتاین»، نماینده ویژه «بایدن» با ادعای پیگیری آتش‌بس و پایان حملات به بیروت وارد لبنان می‌شود، دست به حمله علیه فرودگاه بیروت زدند. این حمله این پیام را ارسال می‌کند که رژیم اسرائیل برای جنایات خود ابایی از نقض تمام معاهدات بین‌المللی ندارد. انجام این حمله کمتر از ۲۴ ساعت مانده به ورود نماینده ویژه بایدن به لبنان، همچنین می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که صهیونیست‌ها از حمایت آمریکا از خود با انجام هر جنایتی مطمئن هستند و تردیدی در این رابطه ندارند. افزون بر آن بعید نیست «نتانیاها» با این کار علاوه بر تحت فشار گذاشتن دولت لبنان برای وادار کردن حزب‌الله به پذیرش قطعنامه ۱۷۰۱، عقب‌نشینی و خلع سلاح، درصدد ارسال این پیام باشد که آمریکائی‌ها باید دنباله‌رو حرکات وی باشند و در میانجی‌گری‌های ظاهری هیچ وعده‌ای برای تعیین خطوط قرمز جهت محدود کردن این رژیم به لبنانی‌ها و فلسطینی‌ها ندهند. این جنایات، که از سر استیصال و درماندگی است، هیچ پیروزی نظامی برای اشغالگران نازی صهیونیستی اسرائیل به ارمغان نخواهد آورد، همانطور که در تجاوزات ارتش اسرائیل در ۱۹۸۲ و ۲۰۰۶ به لبنان نیاورده است. شکست از آن صهیونیست‌های متجاوز است! دست‌ها از لبنان کوتاه!



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)  
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید

اسرائیل آپارتاید را اعمال می‌کند - چیزی که عفو بین‌الملل قبلاً نشان داده است - و اشغال غزه و کرانه باختری توسط اسرائیل ناقض قوانین بین‌المللی است. اما چرا هیچ کس برای امکان‌پذیر ساختن این تصمیمات صحیح و منصفانه دخالت نمی‌کند؟ پاسخ این است که ایالات متحده با تمام قوا و با تکیه با ابزارهایی که دارد از کشور تروریستی اسرائیل محافظت می‌کند.

ایالات متحده، که تأمین‌کننده اصلی صدور سلاح به اسرائیل است و با این سلاح‌های مرگبار مردم لبنان و فلسطین بمباران می‌شوند، روز سه‌شنبه در مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک با حضور «جو بایدن»، رئیس‌جمهور آمریکا، در این اجلاس خواستار آتش‌بس در غزه و راه حل دیپلماتیک در لبنان شد. اما او به نقش آمریکا در این قتلعام‌ها اشاره‌ای نکرد. اکنون ۱۲ ماه از زمانی که مقاومت فلسطین دیوار محاصره شده غزه را فرو ریخت و به ضد حمله علیه رژیم اشغالگر اسرائیل پرداخت، می‌گذرد. از آن زمان تاکنون، اسرائیل با سببیت تمام و با شقاوتی که تاریخ بشر کم‌تر به خود دیده، جان بیش از ۴۲۰۰۰ فلسطینی را گرفته است.

مجموع بمب‌هایی که اسرائیل بر سر مردم غزه پرتاب کرده است، از کل بمب‌های لندن، درسدن، هیروشیما و ناگازاکی در طول جنگ جهانی دوم بیش‌تر است! لطفاً به آمار زیر توجه کنید!

- « لندن: ۲۰ هزار تن، ۱۹۴۰-۱۹۴۴
- « هیروشیما و ناگازاکی ۱۵ هزار تن، ۱۹۴۵
- « درسدن: ۳۹۰۰ تن، ۱۹۴۵
- « غزه: ۸۵ هزار تن در ۱۰ ماه!

رفقای عزیز، دوستان عزیز فلسطینی وقتی صهیونیست‌ها و حامیان آنها با عصبانیت می‌گویند که ما صلح‌طلبان و ضدصهیونیست‌ها قصد داریم «اسرائیل را محو کنیم و یهودیان را نابود کنیم یا آنها را به دریا بیندازیم»، این یک استعاره عمداً گمراه‌کننده است برای ارتباط مواضع ما با مرام نابودکننده «نازی‌ها» و نسل‌کشی یهودیان در طول جنگ جهانی دوم در اروپا.

آنچه مهم است، جایگزینی کشور متجاوز غیرقانونی و نژادپرست اسرائیل در فلسطین با یک کشور دمکراتیک فلسطینی، که در آن همه ساکنان این کشور، یهودیان، عرب‌ها، مسلمانان و مسیحیان... باید به عنوان شهروندانی با حقوق برابر با آزادی‌ها و حقوق مدنی یکسان زندگی کنند.

در سوئد، رسانه‌ها دست دراز شده و گسترده سیاست حاکم هستند. همزمان با کشته‌شدن بیش از ۴۲۰۰۰ فلسطینی توسط دولت استعمارگر اسرائیل، رسانه‌ها هدفمند با «تروریست» خواندن سازمان حماس و حزب‌الله هزاران نفری که با فلسطینی‌های اشغالی همبستگی نشان می‌دهند، متهم به حمایت

و اندونزی، ترکیه، فیلیپین، آرژانتین، برزیل... و در بسیاری از شهرها با ابتکارات جدیدی نظیر نمایش خیابانی، تحصن و تئاتر، بستن جاده‌ها، راه آهن و یا پل‌ها را و در داخل یا خارج ادارات دولتی و یا ادارات شرکت‌های سازنده و فروشنده اسلحه به اسرائیل تحصن کرده و یا از بار کردن سلاح‌ها و کالا‌های ممنوعه و تحت تحریم عازم اسرائیل خودداری کردند. شرکت‌کنندگان در آن اکسیون‌ها بخشی از میلیون‌ها نفری هستند که در یکسال اخیر علی‌رغم اخراج از کار، خشونت پلیس اتهاماتی نظیر ضدیهود بودن و نظایر آنها از اعتراض و تظاهرات علیه نسل‌کشی اسرائیل، دولت آمریکا و ناتو دست بر نداشتند. از هفتم اکتبر ۲۰۲۳، عملیات انقلابی «طوفان الاقصی» نیروهای مسلح اسرائیل تاکنون و طبق آمار وزارت بهداشت در غزه بیش از ۴۲ هزار نفر را قتلعام کرده‌اند. آمار جان‌باختگان در لبنان طبق وزارت بهداشت این کشور به بیش از ۲۸۰۰ نفر افزایش یافته است. هر چند آمارها واقعی بیش‌تر از این است که اشاره رفته است. بعضی از اعضای ناتو، نظیر دولت آمریکا با دادن میلیاردها دلار و ۶۶ درصد سلاح، دولت متمایل به فاشیسم آلمان با دادن ۳۰ درصد و دولت راستی ایتالیا با دادن ۵ درصد اسلحه به اسرائیل در این نسل‌کشی سهیم بوده و هستند. بر طبق گزارش سازمان حقوق بشری «نظارت اروپا - مدیترانه» حدوداً ۱۲ هزار نفر نشانی از آنها نیست، زیر آوارها مفقودند، یا در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های رژیم صهیونیستی اسرائیل اسیر و یا در آنجا کشته شده‌اند. طبق گزارش منتشره در طول یکسال اخیر در ۲۵ هزار شهر جهان تظاهرات علیه نسل‌کشی در غزه صورت گرفته است.

فعالین حزب کار ایران (توفان) در شهرهای آلمان و سوئد و فنلاند و در چند شهر دیگر اروپائی علیه نسل‌کشی در غزه و برای آتش‌بس فوری در تظاهرات‌ها دوشادوش نیروهای انقلابی و چپ و صلح‌دوست شرکت کردند و در برخی از شهرها ضمن سخنرانی‌هایی همبستگی خود را با خلق فلسطین و لبنان ابراز داشتند. در زیر دو سخنرانی اخیر رفقای حزب کار ایران (توفان) را در تظاهرات شهر لین شوپینگ سوئد منتشر می‌کنیم.

**متن سخنرانی رفیق هوادار حزب کار ایران (توفان) در تظاهرات ضدصهیونیستی و در همبستگی با مردم غزه و لبنان**

جمعه ۱۴ اکتبر ۲۰۲۴

رفقای عزیز، دوستان عزیز و دوستان عزیز فلسطینی به گفته گزارشگر فلسطین سازمان ملل، دولت تروریستی اسرائیل در غزه مرتکب نسل‌کشی شده است. دادستان‌های دادگاه کیفری بین‌المللی خواستار صدور حکم بازداشت علیه نتانیاهو به دلیل جنایت علیه بشریت شده‌اند. پرونده‌ای علیه اسرائیل به دلیل نسل‌کشی در دیوان بین‌المللی دادگستری ادامه دارد. اخیراً دادگاه در پرونده دیگری مشخص کرده است که

شده در سوئد در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ است که همیشه چیزی است. اما ما صلح‌طلبان و ضدامپریالیست‌ها و ضدصهیونیست‌ها هرگز نباید از مبارزه برای صلح و عدالت دست برداریم و باید ادامه دهیم. پس از تقریباً یکسال حملات وحشیانه به غزه محاصره شده، جایی که بیش از ۴۲۰۰۰ فلسطینی توسط اسرائیل کشته شده‌اند و اکثریت قریب به اتفاق زنان و کودکان هستند.

دوستان عزیز

۷ اکتبر ۲۰۲۳ کشورهای جهان را مجبور کرد که دوباره درباره موضوع فلسطین صحبت کنند، موضوعی که بسیاری از طرف‌ها در سال‌های اخیر سعی کرده‌اند آن را فراموش کنند. هیچ کس نمی‌تواند منکر حقوق مردم فلسطین و حق آنها برای درخواست کشور مستقل خود پس از ۷ اکتبر شود. وجود کشور فلسطین به واقعیت تبدیل شده است.

دوستان عزیز فلسطینی!

آخرین مناظره رهبر حزب در ۱۳ اکتبر حدود ۱۵ دقیقه به درگیری فلسطین-ایرسلر اختصاص داشت. اما ۱۴ دقیقه در مورد اهمیت مبارزه با یهودستیزی بحث شد و بقیه زمان مربوط به ۷ اکتبر و محکومیت حماس و تمام گروه‌های مقاومت فلسطینی بود که با قدرت اشغالگر اسرائیل می‌جنگند. محکومیت اسرائیل و نسل‌کشی غزه و درخواست برای تحریم دولت آپارتاید در این بحث غایب بود.

وقتی صهیونیست‌ها و حامیان آنها با عصبانیت می‌گویند که ما صلح‌طلبان و ضدصهیونیست‌ها قصد داریم «اسرائیل را از بین ببریم و یهودیان را نابود کنیم»، این یک استعاره عمداً گمراه کننده برای ارتباط با «نازیستی یهودیان» در طول جنگ جهانی دوم در اروپاست. اما آنچه مهم است جایگزینی دولت متجاوز فاشیست و نژادپرست اسرائیل در فلسطین با یک کشور فلسطینی دموکراتیک با تنوع است که در آن همه ساکنان این کشور، یهودی، عرب، مسلمان و مسیحی باید به عنوان شهروندانی برابر با آزادی‌ها و حقوق مدنی یکسان زندگی کنند. امروز هیچکس به یک طرح حقوقی دو دولتی برای کشور اشغالی مانند فلسطین اعتقاد ندارد. همه‌پرسی در سراسر فلسطین و پایان دولت صهیونیستی و نژادپرست راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای مناقشه صد ساله است.

دوستان عزیز، دوستان عزیز فلسطینی!

ما فعالان صلح باید جرأت کنیم به اعتراض به نسل‌کشی غزه ادامه دهیم و صدای زنان و کودکان را بلند کنیم و خواهان تحریم کشور تروریستی اسرائیل و آتش بس فوری باشیم، باید بمباران لبنان را محکوم کنیم و خواستار پایان جنگ باشیم

نسل‌کشی در غزه را متوقف کنید!

زنده باد همبستگی با فلسطین!

زنده باد فلسطین! \*

از تروریسم شوند. در سوئد، طبق نظر بورژوازی و کل دستگاه حاکمیت، ما باید از جنبش مقاومت فاصله بگیریم. نه از دولتی که مرتکب نسل‌کشی می‌شود، بلکه از سوی مردمی که جسورانه از خود در برابر صهیونیسم، اشغالگری و فاشیسم دفاع می‌کند.

حق مقاومت در برابر اشغال و نسل‌کشی بدیهی است. همبستگی من با مردم فلسطین به همان اندازه آشکار است. من در مبارزه با امپریالیسم، صهیونیسم و اشغالگری با قامتی استوار در کنار مردم ستم‌دیده ایستاده‌ام.

دوستان عزیز!

امروز بزرگترین تهدید برای صلح و امنیت در خاورمیانه بدون شک قدرت اشغالگر اسرائیل است که به جرم نسل‌کشی در غزه محکوم شده و بدون رعایت قوانین بین‌المللی همچنان به بمباران اهداف غیرنظامی، بیمارستان‌ها، مدارس و حتی مقرهای سازمان ملل در غزه و لبنان ادامه می‌دهد.

به نظر من آتش‌بس پایدار در غزه و احترام به حقوق مردم فلسطین برای رهائی ملی، اساس صلح و ثبات در خاورمیانه است.

سکوت نکنیم! ما باید جرئت کنیم به اعتراض علیه نسل‌کشی غزه و ترور و اشغال لبنان ادامه دهیم و فریاد خود را در حمایت از زنان و کودکان بلند کنیم و خواستار آتش‌بس فوری و تحریم دولت تروریستی اسرائیل شویم!

جمعه ۱۴ اکتبر. لینشوپینگ سوئد

نسل‌کشی در غزه را متوقف کنید!

بمباران لبنان را محکوم کنید!

نابود باد صهیونیسم!

زنده باد فلسطین!

\*\*\*

سخنرانی در دفاع از فلسطین و محکومیت اسرائیل و حامیان‌اش در غرب

لین پوپینگ سوئد. جمعه ۱۸ اکتبر ۲۰۲۴

دوستان عزیز، رفقای عزیز، دوستان عزیز فلسطینی

ما فعالان صلح و میلیون‌ها نفر در سراسر جهان خواستار آتش‌بس در غزه و صلح در فلسطین هستیم، اما دولت تروریستی اسرائیل به جنگ و نسل‌کشی در غزه با کمک امپریالیسم آمریکا ادامه می‌دهد.

جنگ به این معنی است که از فناوری مدرن برای کشتن کودکان و بیماران استفاده می‌شود. رهبران جهان امروز بین عدم مداخله برای توقف جنگ وحشیانه و وحشیانه تجاوزکارانه در غزه در نوسان هستند. بدون اینکه کشورهای به اصطلاح متمدن به اسرائیل چراغ سبز نشان دهند یا حتی سلاح بفرستند. برای ادامه نسل‌کشی

جنگ تجاوزکارانه اسرائیل به غزه بیش‌ترین کلمات جستجو



فلسطین و آرمان مبارزه خلق فلسطین، جناح‌های مقاومت و کل ملت، رهبر بزرگی را از دست دادند که هرگز عقب‌نشینی نکرد. او عمر خود را در بحبوحه مقاومت و دفاع سرسختانه از حقوق مردم و سرزمین‌اش سپری کرد، او در زندگی خود نمونه‌ای استثنائی از یک مبارز متعهد به دغدغه‌های مردمش را به نمایش گذاشت و شهادت وی در خط مقدم دفاع از فلسطین، او را به عنوان یک رهبر شکست‌ناپذیر در یاد و خاطره خلق جاودانه کرد. او در راه پیروزی یا شهادتی که در پرافتخارترین مناصب به عنوان رزمنده مدافع خلق خود به دست آورد، درنگ نکرد.

شهید بزرگوار با مجاهدت و مواضع خود نمادی از استواری، اراده، صلابت و شخصیت آهنینی بود که تسلیم و شکست را نمی‌شناخت. او نقشی پیشگام در توسعه مقاومت داشت. او به همراه گروهی از فعالان جناح‌های مختلف در رهبری جنبش زندانیان در سال‌های طولانی حبس مشارکت مؤثری داشت و مبارزات قهرمانانه‌ای را علیه مسئولان زندان انجام داد و پس از آزادی همواره بر وحدت صفوف مقاومت در برابر اشغالگری تأکید داشت.

شهید شایستگی و شجاعت خود را در رهبری نظامی و سیاسی مقاومت به نمایش گذاشت. او از هیچیک از اصول و منافع ملی عقب‌نشینی نکرد و صدای او در دفاع از اسرا و آرمان فلسطین بلند، و در مواضع خود ثابت قدم، و از اهمیت وحدت ملی و مقاومت مشترک آگاه بود.

جبهه خلق تسلیت صمیمانه خود را به خانواده شهید فرمانده «ابو ابراهیم» و برادران جنبش حماس ابراز می‌دارد و تأکید می‌کند که خون رهبران قهرمان هدر نخواهد رفت و شهادت رهبر «سنوار» هیزم تازه‌ای بر آتش مقاومت است و خون پاک او گواه خواهد بود که این قوم شکست‌ناپذیر است، و هر زمان که دشمن بخواهد شعله مبارزه خلق را خاموش کند، عزم او بیش‌تر می‌شود. و آنگاه که دشمن گمان کند که با ترور رهبر، مقاومت را از بین می‌برد، ده‌ها رهبر جدید از خون او متولد می‌شوند، محکم‌تر و مصمم‌تر. تجربه ثابت کرده است که شهادت رهبران این روند را متوقف نمی‌کند، بلکه آن را تثبیت می‌کند و صحنه‌های تقابل را شعله‌ور می‌سازد. و این چیزی است که اتفاق خواهد افتاد.

شهیدان سربلند و جاودانه‌اند و پیروزی فلسطین اجتناب‌ناپذیر است  
جبهه خلق برای آزادی فلسطین

دفتر سیاسی

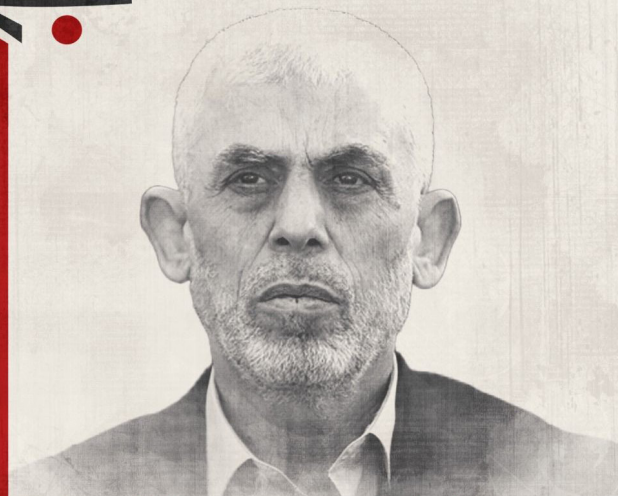
۱۸ اکتبر ۲۰۲۴

ترجمه و تکثیر از حزب کار ایران (توفان)

بی‌حزبی کارگران، شعاری انحرافی است!

## الجبهة الشعبية لتحرير فلسطين

تراف القائد الوطني الكبير



## یحیی ابراهیم حسن السنوار

«ابو ابراهیم»

رئيس المكتب السياسي لحركة المقاومة الإسلامية «حماس» ومهندس ملحمة طوفان الأقصى وأبرز رموز النضال الفلسطيني والذي ترجل يوم الخميس الموافق 2024/10/17 بعد خوضه اشتباكا مسلحا مع عصابات الغنر الصهيونية عاب نري مدينة رفح



## بیانیه مطبوعاتی «جبهه خلق

## برای آزادی فلسطین» در مورد

## شهادت «یحیی السنوار»

جبهه خلق برای آزادی فلسطین عزادار رهبر و سازمان‌ده بزرگ ملی، شهید یحیی السنوار، «ابو ابراهیم» رئیس جنبش حماس، معمار حماسه طوفان‌الاقصى و یکی از برجسته‌ترین نمادهای مبارزه فلسطینی‌ها در جهان است.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین، با سربلندی و افتخار بسیار، به نمایندگی از دبیرکل و معاون وی، برای قهرمان و شهید فلسطینی، رهبر بزرگ ملی، مبارز، مقاوم، اسیر آزاده، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس، شهید مبارز یحیی السنوار «ابو ابراهیم» معمار حماسه طوفان‌الاقصى و قهرمان نبرد سیف القدس، که در درگیری قهرمانانه در رفح، در جنوب نوار غزه به همراه چند تن از هم‌زمان‌اش با پیوستن به کاروان شهدای بزرگ ملت و آرمان عادلانه فلسطین و عزت و آزادی خلق عرب به شهادت رسید، عزادار است.



## ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیک» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیک» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

\*\*\*

### لنین در مورد رویزیونیسم و کسب قدرت توسط پارلمان

به سخنان لنین در باره رویزیونیست‌ها گوش فرا دهید: «فقط بخت‌برگشتگان و ابلهان می‌توانند تصور کنند که پرتاریا از راه شرکت در انتخاباتی که در زیر یوغ بورژوازی، در زیر یوغ بردگی مزدوری انجام می‌گیرد، ابتدا اکثریت را به چنگ آورد و فقط پس از آن قدرت را تصرف کند. این نهایت سفاقت و ریاکاری است، این جانشین کردن مبارزه طبقاتی و انقلاب با آرائی است که در رژیم کهنه در زیر قدرت کهنه ابراز می‌شود».

تناقص رویزیونیسم با مارکسیسم - لنینیسم کاملاً آشکار است. رویزیونیسم نیز آن را به وضوح می‌بیند و برای توجیه آن به این نکته متشبه می‌شود که این حکم لنین اگر در گذشته درست بوده، اکنون که اوضاع و احوال جهان دگرگونه شده، دیگر نمی‌تواند ملاک اعتبار باشد، یا به گفته «تولیاتی» (مارس ۱۹۶۵) «آنچه که ما امروز انجام می‌دهیم در سی سال پیش نه ممکن بود و نه درست و بطوری که مادر آن زمان می‌گفتیم

اپورتونیسم محض بود».

رویزیونیست‌ها برای توجیه انحرافات متعدد و گوناگون خود از مارکسیسم - لنینیسم، یک حربه عمده دارند: «تغییر اوضاع جهان». تغییر اوضاع جهان آنچنان عاملی است که به کمک آن هرگونه سخن نامعقولی را می‌توان معقول جلوه داد، آنچنان عاملی است که آنچه که «در سی سال پیش اپورتونیسم محض بود» امروز عین مارکسیسم - لنینیسم است.

در اینجا دو پرسش در برابر ما قرار می‌گیرد: تخت آنکه آیا واقعاً اوضاع جهان پس از جنگ دوم جهانی دگرگون شده است؟ دوم اینکه آیا اصول مارکسیسم - لنینیسم از ارزش و اعتبار افتاده است و آیا با تغییر اوضاع جهان اپورتونیسم گذشته به مارکسیسم - لنینیسم مبدل گردیده است؟

پاسخ سؤال اول روشن است. مارکسیست - لنینیست‌ها بر آنند که پس از جنگ دوم جهانی شرایط تاریخی تازه‌ای پدید آمده، شرایطی که برای آزادی طبقه کارگر و خلق‌های ستمدیده امکانات وسیع‌تر و مؤثرتری ایجاد کرده است. شرایط تازه تاریخی طبقه کارگر و خلق‌های ستمدیده را بر آن می‌دارد که با استفاده از امکانات و با توسل به مبارزه انقلابی، برای سرنگون ساختن امپریالیسم و ارتجاع از راه قهر به کوشش بیش‌تری برخیزند. اما درست در همین شرایط تاریخی مساعد رویزیونیسم «گذار مسالمت‌آمیز» انقلاب را به پیش می‌کشد و آن را منطبق با اوضاع و احوال جلوه می‌دهند.

در پاسخ پرسش دوم باید گفت که اصول مارکسیسم - لنینیسم و بویژه آنچه که در اینجا مورد بحث ماست، یعنی انقلاب قهرآمیز در شرایط تاریخی تازه، همچنان نیرو و قدرت خود را حفظ کرده است.

چرا مارکسیسم - لنینیسم «گذار مسالمت‌آمیز» انقلاب پرتاریائی را امکان‌ناپذیر می‌داند؟ صاف و ساده برای اینکه طبقات حاکمه هیچ‌گاه با رضا و رغبت از منافع خویش چشم نمی‌پوشند، از مسند قدرت پائین نمی‌آیند، باید آن‌ها را به زور

در فرانسه حزب کمونیست بر اثر مبارزه قهرمانانه خود علیه اشغالگران فاشیست نفوذ و اعتبار فوق‌العاده‌ای یافت، در تدوین قانون اساسی نقش مهمی بازی کرد، در انتخاباتی که در ۱۹۴۶ انجام شد، توانست ۱۸۲ کرسی پارلمان را در اختیار خود درآورد، در دولتی که «دوگل» تشکیل داد، حزب کمونیست نیز شرکت داشت. اما همینکه بورژوازی فرانسه موقعیت خود را تا حدودی مستحکم ساخت، با فشار و پشتیبانی امپریالیسم آمریکا کمونیست‌ها را از دولت راند. در سال ۱۹۵۱ در قانون انتخابات دست برد که بر اثر آن تعداد کرسی‌های پارلمانی حزب کمونیست از ۱۸۲ به ۱۰۳ پایین آمد. در انتخابات ۱۹۵۶ حزب کمونیست باز تعداد کرسی‌های خود را در پارلمان افزایش داد و به ۱۵۰ رسانید. اما بورژوازی انحصاری فرانسه در ۱۹۵۸ دوباره در قانون انتخابات تغییراتی وارد کرد و در نتیجه تعداد کرسی‌های حزب کمونیست فقط به ده کرسی رسید یعنی به یکبار ۱۴۰ کرسی از دست داد. در انتخابات بعد تعداد کرسی‌ها از نو افزایش یافت ولی از تحصیل اکثریت در پارلمان هنوز بسیار دور است و هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که بورژوازی در صورت لزوم مانور تازه و تازه‌تری در پیش نخواهد گرفت. حوادثی که در ماه مه امسال در فرانسه گذشت نشان داد که نیروهای پلیس با چه قساوتی نیروهای انقلابی را که خواهان تغییر عمیق در نظام اجتماعی و اقتصادی بودند، سرکوب کرد. در همان حال رئیس جمهور، ارتش فرانسه را تجهیز کرد تا در صورت لزوم برای حفظ و حراست بورژوازی انحصاری وارد عمل شود.

نمونه فرانسه به هیچوجه استثنائی نیست. برعکس تظاهر بارز پدیده عامی است که در تمام کشورهای سرمایه‌داری متعلق به «دنیای آزاد» به چشم می‌خورد، کشورهای که سنت دموکراسی در آن‌ها سابقه کهن دارد.

آیا وضع در کشورهای منطقه توفان‌ها غیر از این است؟ روشن است که در این کشورها وضع از این هم دهشت‌بارتر است. اگرچه کشور ما از لحاظ شدت فشار و اختناق، از لحاظ شدت اعمال قهر بر مردم یکی از کشورهای نادر است، ولی کشورهای دیگر تفاوت ماهوی با کشور ما ندارند. در مورد این کشورها این واقعیت را نیز باید اضافه کرد که هرگاه نیروی طبقات حاکمه از طرف توده‌های مردم در مخاطره افتد، امپریالیسم حامی این طبقات و بویژه امپریالیسم آمریکا به کمک آن‌ها می‌شتابد و به صدور ضدانقلاب می‌پردازد و در صورت لزوم از مداخله مستقیم نیز پروائی ندارد. دوران پس از جنگ سرشار از این تجاوزات امپریالیسم به کشورهای منطقه توفان‌هاست که تجاوز کنونی آن به ویتنام در زمره آنهاست. کشور ما نیز از صدور ضد انقلاب بی‌بهره نمانده است. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که از جانب امپریالیسم آمریکا و انگلستان صورت گرفت چیزی جز استقرار ضدانقلاب نبود.\*

پایین آورد. طبقات حاکمه برای حفظ و نگهداری قدرت و تأمین منافع خود دستگاه دولتی عظیمی فراهم آورده‌اند که ارتش و پلیس عناصر اصلی آن است. پارلمان فقط نمای دیکتاتوری بورژوازی است. برای «گذار مسالمت‌آمیز» انقلاب، رویزیونیسم بر دموکراسی بورژوائی تکیه می‌زند و آن را ضامن پیروزی خویش می‌شمرد. اما طبقات حاکمه تا آنجا مراعات دموکراسی را در دستور روز می‌گذارند که از این مقوله خطری منافع و قدرت آنها را تهدید نکند. به محض آنکه موقعیت طبقات حاکمه در مخاطره افتد، از دموکراسی اثری هم باقی نمی‌ماند.

معدالک در «دنیای آزاد» طبقات حاکمه تمام کوشش خود را بکار می‌برد که برای فریب توده‌های مردم ظاهر دموکراتیک را حفظ کند و در این صورت برای جلوگیری از پیشرفت نیروهای انقلابی تا سرحد امکان به مانورهای گوناگون مانند اعلام بطلان انتخابات و انحلال پارلمان و تجدیدنظر در قانون انتخابات و قانون اساسی، انحلال احزاب طبقه کارگر و غیره دست می‌زند ولی در آنجا که دیگر کار با مانورها فیصله نمی‌یابد، آنگاه ظاهر دموکراسی را قربانی می‌کنند، سیمای دیکتاتوری خود را می‌نمایانند و با زور و قهر به سرکوب انقلاب می‌پردازند. با این ترتیب روشن است که چرا مارکسیسم - لنینیسم «گذار مسالمت‌آمیز» را از راه پارلمان و بطور کلی انقلاب را از راه مسالمت‌آمیز غیرممکن می‌شمرد.

شاید با «تغییر اوضاع جهان»، طبقه حاکمه از تقویت دستگاه دولتی و پلیس، از دست زدن به مانور برای جلوگیری از پیشرفت نیروهای انقلابی، از سرکوب این نیروها دست کشیده است؟ اما واقعیات درست خلاف این را نشان می‌دهد. در دنیای پس از جنگ در همه جا امپریالیسم و ارتجاع نیروهای انتظامی و قوای قهریه خود را تقویت می‌کند، بودجه‌های نظامی را پیوسته بالا می‌برد، بر تعداد افراد ارتش و پلیس می‌افزاید و مسائل تازه و تازه‌تری برای سرکوب خلق اختراع می‌کند، تسلیحات ارتش و پلیس را تکمیل می‌نماید، برای مبارزه با نیروهای انقلابی سازمان‌های نوئی برپا می‌دارد، به انواع حیل و وسائل توسل می‌جوید و غیره و غیره. آخر چگونه ممکن است طبقات حاکمه با چنین نیروئی، بدون مقاومت به پرتاریا امکان دهند که قدرت را از کف آن‌ها بربایند و منافع حیاتی آن‌ها را پایمال کند. آیا تقویت نیروهای قهریه از جانب طبقات حاکمه برای آنست که به نیروهای انقلابی امکان دهد از راه «مسالمت‌آمیز» قدرت حاکمه را بدست آورند؟ یک آن فرض کنیم که حزب کمونیست توانست اکثریت کرسی‌های پارلمان را بدست آورد، آیا بورژوازی به بطلان انتخابات توسل نخواهد جست؟ و در صورتی که در خارج از پارلمان جنبش توده‌ای نیرومندی از نتیجه انتخابات پشتیبانی کند آیا بورژوازی به سرکوب جنبش نخواهد پرداخت.

مثال مشخصی بیاوریم:



## گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش

پرسش: با سلام، من نوشته‌ها و بحث‌های حزب شما را از طریق تلگرام و فیسبوک، بخصوص در چند ماه اخیر دنبال کردم. سوالم این است چرا با شعار «نه جنگ و نه به استبداد و دیکتاتوری» مخالفید و جنگ را از طرف ایران تدافعی می‌بینید. من که از دوره جنگ ایران و عراق چیزی به یاد ندارم. مگر آن جنگ برای رژیم آخوندی یک نعمت الهی نبود و با استفاده از آن همه گروه‌ها را حذف کرد. آن جنگ چه ارتباطی به منافع مردم ایران داشت. آیا فکر نمی‌کنید اگر جنگی آغاز شود و باعث تضعیف رژیم شود، به نفع ملت ایران است؟ با تشکر م. الف. استرالیا

**پاسخ:** با درود و تشکر از پرسش‌تان. نزاعی که در منطقه جریان دارد، جنگ جنبش مقاومت فلسطین، همه سازمان‌های فلسطینی، همه سازمان‌های میهن‌دوست لبنانی و یمنی و عراقی و سوریه علیه اسرائیل و آمریکا جنگی تدافعی برای استقلال و تمامیت ارضی خود است.

ایران نیز از این جنبش‌ها حمایت می‌کند، این حمایت سوای هرگونه انگیزه‌های دارای بار مثبت و امری تدافعی است. این اسرائیل متجاوز است که به حریم ایران دست درازی کرده است. سفارت ایران در دمشق را بمباران کرد، مهندسین هسته‌ای ایران را ترور کرد، نماینده فلسطین در تهران را ترور کرد..... این اقدامات با حمایت آمریکا صورت گرفته و می‌گیرد و نقض حقوق ملل و حق حاکمیت ملی ایران است و دفاع ایران در مقابل این تعرض نظامی، مشروع و عادلانه است. از اینرو باید حمله را علیه نیروی متجاوز و زورگو متمرکز کرد و نه قربانی و همسنگ کردن قربانی و متجاوز. باید شعاری داد که ممانعت از حمله نیروی متجاوز باشد. شعار «نه به جنگ و نه به دیکتاتوری و استبداد» و یا «نه به جمهوری اسلامی» هم به لحاظ سیاسی و هم تاکتیکی اشتباه و به نفع نیروی متجاوز است.

اگر رژیم اسرائیل متجاوز است و جنگ‌اش توسعه‌طلبانه و ناقض حقوق بین‌الملل و حق حاکمیت ملی آنوقت باید شعار «نه به

اسرائیل متجاوز» را طرح کنیم و ضربه را بر دشمن ملل منطقه، که مانع اصلی استقرار صلح و همزیستی و احترام به قوانین بین‌المللی است، فرود آوریم. «زننده باد جنگ عادلانه فلسطین و لبنان. علیه اشغالگران استعمارگر، علیه نسل‌کشی در غزه، علیه متجاوزان اسرائیل» و «دست‌ها از ایران کوتاه» شعارهای صحیح و معقولی‌اند که برای بسیج افکار عمومی و متوقف کردن جنگ و خونریزی کارساز و انقلابی‌اند.

مبارزه مردم ایران برای تحقق مطالبات‌شان علیه حاکمیت سرمایه‌داری محفوظ است، اما این مبارزه طوری باید دوام و قوام یابد که دشمنان خارجی و درنده‌ای چون رژیم صهیونیستی اسرائیل و امپریالیسم آمریکا و زورگویی‌های آنها فراموش نشود و در دام تبلیغات دشمنان مردم ایران گرفتار نشویم.

متأسفانه پاره‌ای از نیروهای ضدایرانی و منحرف و مرتجع مردم ناراضی و ناآگاه را تشویق به سردادن شعار ارتجاعی «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران و یا دشمن ما همین جاست دروغ می‌گن آمریکاست» می‌کنند. این گروه‌ها دست دراز شده امپریالیسم و صهیونیسم در ایران‌اند باید علیه‌شان مبارزه کرد.

فراموش نباید کرد که بمباران عراق، افغانستان و لیبی و اشغال بخشی از خاک سوریه توسط آمریکا و ترکیه و بمباران ممتد اسرائیل در جنوب دمشق جنگ تجاوزکارانه علیه این ملل بوده و همین سناریوی خطرناک در مورد ایران نیز در شکل دیگری می‌تواند در دستور کار این جنایتکاران بین‌المللی باشد. نزاع کنونی در منطقه را باید در کادر کلان‌تر نظم منطقه‌ای و جهانی و ژئوپلیتیکی دید و نه یک پدیده انتزاعی جنگ اسرائیل علیه غزه و ایران!

هر ایرانی میهن‌دوستی باید تحریم‌های غیرقانونی اقتصادی علیه ایران را محکوم کند، هرگونه مداخله نظامی را محکوم و تاکید نماید که این مردم ایران هستند که باید خودشان سرنوشت خود را تعیین کنند و نه نیروی خارجی. اینهاست آن نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرند تا در دام ارتجاع جهانی درنغلطیم و مستقلا از مردم و تمامیت ارضی ایران دفاع کنیم و هر تغییر و تحول انقلابی و مترقی در پیکار علیه رژیم سرمایه‌داری را در یک پروسه طولانی و با سازماندهی مستقل زحمتکش‌ان برای استقرار یک حکومت انقلابی و چه بهتر سوسیالیستی فراهم آوریم. اگر این مسائل را در نظر نگیریم آنوقت در دام فرقه رجوی و سازمان‌های چپ اندرچیچی مانند اپوزیسیون دوره صدام حسین و در پارکابی ماشین جنگی امپریالیسم و صهیونیسم انجام وظیفه خواهیم کرد و این جز خیانت ملی معنا نمی‌دهد.

تاکید می‌کنیم «شعار نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی»، «نه به حماس، نه به حزب الله» شعار ارتجاعی و اسرائیلی است. جاهلان سیاسی که در شیپور نه به جنگ بی‌آزار می‌دمند، در مقابل نسل‌کشی در غزه و بمباران لبنان و حملات تروریستی اسرائیل و آمریکا به ایران منفعل و به نفع اسرائیل عمل می‌کنند و فاقد هرگونه چشم‌انداز سیاسی برای کاهش درد و آلام مردم و بهبود شرایط زندگی آنها هستند. این گروه‌ها مبارزه‌شان علیه جمهوری اسلامی هم تاکتیک است و هم استراتژیک، نه به نیروی اندک خود توجه دارند و نه وقتی به توازن قوای ملی و طبقاتی

# باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN

## پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: با درود به دوستان زحمتکش توفان. من نشریات شما را بخصوص صفحات پرسش و پاسخ توفان الکترونیکی را می‌خوانم. برایم بسیار جالب و مفیدند. پرسشی دارم در مورد تعریف امپریالیسم از دوره لنین تاکنون و تعریف «امپریالیست‌ستیزی و چپ‌های سنتی و محورمقاومتی» که به حزب شما و چند جریان دیگر نسبت داده می‌شود. ممنون می‌شوم مختصراً نظر حزب‌تان را روشن‌تر در اینباره برایم بنویسید. موفق باشید. امضا: نروژ. حشمت اسدی.

### پاسخ:

**یکم!** موضوع تمرکز سرمایه و تکامل آن به انحصار و مقوله امپریالیسم و تجاوزات امپریالیستی به کشورها و تشدید تضادهای درونی این پدیده در قرن ۱۹ و ادامه آن تاکنون همچنان مسئله روز است و نمی‌توان چنین واقعیتی را کتمان کرد. آنها که درک صحیحی از مقوله امپریالیسم، حقوق ملل و دول و حق تعیین سرنوشت خلق‌ها به دست خودشان ندارند، تاکنون نفهمیده‌اند دلیل گسیل ده‌ها هزار سرباز و بیش از ۸۰۰ پایگاه نظامی غرب در سراسر جهان با چه هدف و نیتی صورت گرفته است. متأسفانه هنوز پاره‌ای از احزاب و سازمان‌های سیاسی به ظاهر چپ نفهمیدند دلایل سیاسی اقتصادی حملات نظامی به عراق، افغانستان، لیبی، سوریه، فلسطین، لبنان و یمن و تحریم‌های اقتصادی و تهدیدات نظامی به ایران چیست و امپریالیست‌ها در سودای چه هستند. دول امپریالیستی غرب با توسل به الفاظی نظیر «دمکراسی» و «حقوق بشر» این تجاوزات را همواره توجیه کرده‌اند. اما واقعیت چیز دیگری بود. این گروه‌ها نه درک درست از کاپیتالیسم دارند و نه مرحله انحصاری آن، امپریالیسم، را درست فهمیده‌اند.

لنین دقیق‌ترین و علمی‌ترین تعریف از امپریالیسم را در

می‌افکنند و نه طرح و برنامه‌ای در شرایط وقوع جنگ و یا پس از آن دارند. نمی‌توان این همه بدیهیات را ندید و ادعای کمونیست بودن و مینهدوستی و ترقی خواهی هم کرد. مخالفت و دشمنی با رژیم جمهوری اسلامی و یا سرنگونی آن الزاماً به معنای انقلابی بودن نیست. فرقه رجوی و رضا پهلوی و پیروان حزب اسرائیلی منصور حکمت و نتانیاهو هم دشمن جمهوری اسلامی و خواهان سرنگونی آن‌اند.

در مورد جنگ عراق، یا صحیح‌تر تجاوز ارتش عراق به خاک ایران دو نظر در آن دوره وجود داشت. پاره‌ای از گروه‌های «چپ» جنگ را از هر دو طرف غیرعادلانه ارزیابی کردند و تاکتیک‌شان با الگوبرداری از جنگ جهانی اول و سیاست بلشویک‌ها جنگ داخلی و سرنگونی رژیم بود. این شیوه‌ای دگماتیک و بدون توجه به این اصل لنینی «تحلیل مشخص از شرایط مشخص» که باید دید در چه زمانی و در چه مکانی و در چه شرایطی و با چه انگیزه‌هایی و... عملی صورت گرفته است، به ضرب نقل قول‌های بی سر و ته از لنین و استالین جنگ تجاوزکارانه صدام حسین علیه ایران را جنگی میان دو قطب ارتجاع توصیف کردند، که باید آنرا به جنگ داخلی بدل کرد؟! به نظر آنها جنگ از جانب ایران عادلانه نبود. درحالی که باید افزود که جنگ ایران و عراق در مرحله اول که ایران قربانی تجاوز سیاست‌های شونیستی عراق و دسیسه‌های آمریکا بود، مقاومت‌اش عادلانه محسوب می‌شد. ولی در مرحله دوم که می‌خواست از راه کربلا، قدس را آزاد کند و به کشور عراق تجاوز نمود، ماهیت این جنگ ارتجاعی و غیرعادلانه شد و سرانجام نیز با نوشیدن جام زهر خمینی، به پایان رسید.

ولی جنگ داخلی از جانب نیروهای هوادار جنگ داخلی از جمله دار و دسته منصور حکمت گروه سهند که به مبارزان کمونیست تغییر نام دادند و «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» و چند گروه دیگر هیچوقت انجام نشد. معلوم نشد که چرا آنها به وعده خود عمل نکردند. معلوم نبود که این شعار غیر عملی، برای آنها صرفاً یک بحث دانشگاهی بوده و یا اینکه یک رهنمود عملی برای توده‌های مردم و اعضای خودشان به حساب می‌آمد، تا بر اساس آن رهنمودها، مبارزه عملی طبقه کارگر شکل بگیرد؟ هواداران این شعار هرگز نیز به میدان نیامدند تا جنگ داخلی را راه بیاندازند و یا نمایشات اعتراضی در میان طبقه کارگر برای نرفتن به جبهه برپا کنند. این شعار به همان راحتی که باد شده بود، بزودی ترکید و نشان داد که مطرح کنندگانش، خود نیز آنرا زیاد جدی نمی‌گرفتند و به غیر عملی بودن آن اذعان داشتند و گرنه باید کاری کارستان می‌کردند و ایران را نجات داده و سوسیالیسم را مستقر می‌ساختند. ذکر و خیر نیروهای آن روز مانند امروز، سرهم بندی کردن مثنی مسایلی بود که نفهمیده بودند و می‌خواستند بنام مارکسیسم - لنینیسم بخورد جنبش دهند. ما امروز نیز با بقایای همه این گروه‌ها و با همین تفکر انحرافی و شبه ترسکیستی و در شرایط به مراتب خطرناک‌تری قرار داریم و تبلیغ چنین شعارهای انحرافی و ارتجاعی فقط به نفع نیروهای متجاوز به ایران خواهد بود، همانطور که در عراق و افغانستان و لیبی شاهدش بودیم.

برایتان آرزوی موفقیت می‌کنیم. پیروز باشید

کتاب‌اش «امپریالیسم بمثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری» چنین فرموله کرد:

۱. «... تمرکز تولید و سرمایه، که به آنچنان مرحله عالی تکامل رسیده که انحصارهایی را که در زندگی اقتصادی نقش قاطعی بازی می‌کنند، بوجود آورده است
۲. درهم‌آمیختن سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی و ایجاد الیگارش‌های مالی بر اساس این «سرمایه مالی»
۳. صدور سرمایه، که از صدور کالا متمایز است، اهمیت بسیار جدی کسب می‌نماید؛
۴. اتحادیه‌های انحصاری بین‌المللی سرمایه‌دارانی که جهان را تقسیم نموده‌اند، پدید می‌آید؛
۵. تقسیم ارضی جهان از طرف بزرگ‌ترین دول سرمایه‌داری به پایان می‌رسد.....».

امپریالیسم آن مرحله از تکامل سرمایه‌داری است که در آن انحصارها و سرمایه مالی سیادت بدست آورده، صدور سرمایه اهمیت فوق‌العاده‌ای کسب نموده و تقسیم جهان از طرف تراست‌های بین‌المللی آغاز گردیده و تقسیم تمام اراضی جهان از طرف بزرگ‌ترین کشورهای سرمایه‌داری به پایان رسیده است. امپریالیسم، بالاترین مرحله سرمایه‌داری است. ماهیت امپریالیسم هیچ تغییری نکرده و تعریف لنینی از این مقوله کاملاً صحیح و جهانشمول است.

امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا به عنوان عمده‌ترین دشمن بشریت علاوه بر صاحب بودن ۴۰ درصد بودجه نظامی جهان، انواع و اقسام ترندها از تحمیل سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی و مطابق الگوهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، کنترل شوند تمام مردم جهان و حتی متحدین نزدیک‌اش، تا لشگرکشی نظامی مستقیم و آشکار برای سلطه هرچه بیشتر بر کشورها، عقب‌نگاه داشته شده و یا مستقل و دمکراتیک و یا در حال توسعه به کار می‌گیرد. سلطه امپریالیسم بر کشورهای مورد تجاوز نه تنها نتیجه مثبتی به بار نیاورده و نمی‌آورد، بلکه مانع از تکامل طبیعی آنان می‌گردد و این ممالک را به نومستعمره خود بدل می‌سازد. تبعات این وضعیت فقر و فلاکت اقشار وسیع‌تری از مردم این کشورها، عقب‌ماندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنان به همراه هزاران مشکل ریز و درشت و مهاجرت‌های میلیونی و غیره می‌باشد.....

بدین رو مبارزه با امپریالیسم برای نیروهای انقلابی بطور مشخص مارکسیست - لنینیست‌های جهان به خصوص در ممالک توسعه نیافته با ثروتی غنی و اهمیت استراتژیک از اهمیت اساسی برخوردار است. در کشورهایی نظیر میهنمان ایران، که هم اینک در معرض تحریم اقتصادی و تهدید

نظامی از طرف صهیونیست‌ها و امپریالیسم آمریکا و اروپا قرار دارند، مبارزه ضدامپریالیستی به عنوان عفریت خارجی و ناقض حقوق ملل حائز اهمیت است. در چنین شرایطی پیکار برای استقرار دمکراسی و حقوق بشر نمی‌تواند منفک از مبارزه ضدامپریالیستی باشد. مبارزه برای آزادی و حقوق دمکراتیک، اگر منجر به همسوئی و همخوانی با امپریالیسم، این عفریت خارجی گردد، راهی جز به سراب و ناکجا آباد نخواهد برد. آنها که از تجاوز به عراق، لیبی، افغانستان و سوریه در لفافه‌های مختلف دفاع کرده‌اند، عوامل امپریالیست‌اند، حتا اگر نام «چپ» را با خود حمل کنند.

از نظر حزب ما تعریف لنینی امپریالیسم علی‌رغم بیش از صد سال گذشت از انتشار این اثر ارزشمند، علی‌رغم تحولات عظیم تکنولوژی در سطح جهان و اشکال مختلف جنگ روانی و رسانه‌ای و هیبریدی و افزایش اتمی شدن بسیاری از کشورها، اما ماهیتا همان ویژگی‌هایی را دارد که لنین در کتاب‌اش برشمرده است. لنین ماهیت امپریالیسم را در انحصار و سرمایه مالی و سیادت مطلق آن در جهان و مخالفت با هر نوع دمکراسی ممالک قاره‌ای عقب‌نگاه داشته شده و ناقض استقلال ملی تعریف کرده است. لنین به درستی تأکید کرد که سرمایه مالی سیادت می‌خواهد و نه آزادی و تازمانی که چنین هیولائی در جهان هستی وجود دارد جنبش‌های ملی برای کسب استقلال ملی، که یک امر سیاسی است، وجود خواهد داشت.

**دوم**، واژه «امپریالیست‌ستیزی» که پاره‌ای چپ‌های توابع که به پست‌مدرنیست و رفرمیست در غلط‌بند و حامی امپریالیسم و موافق سلطه انحصارات غرب در ممالک توسعه نیافته در جهان‌اند، اطلاق می‌شود. این «چپ» افق و آرمانی جز دفاع از سرمایه‌داری ندارد و با نقل‌قول‌هایی از دوران اواخر انترناسیونال دوم و رهبران رویونیست آن، که به دفاع از استعمار در هندوستان و سایر ممالک پرداخته بودند، الهام می‌گیرد. این «چپ» سازش‌طبقاتی را در قالب الگوی سوسیال دمکراسی و نظام پارلمانتاریستی موعظه می‌کند و ربطی به مارکسیسم، مبارزه طبقاتی و انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا ندارد. این چپ دشمن کمونیسم و هوادار امپریالیسم است. در این رابطه می‌توان به سردمدار این خط ارتجاعی در ایران، که در هیئت «کمونیست کارگری»، تحت رهبری «منصور حکمت» که تئوریزه‌کننده خط سازش با امپریالیسم و بر همین اساس توجیه‌کننده همکاری با صهیونیسم اسرائیل بوده و هست، اشاره کرد. این جریان بیش از چهار دهه است که مقام امپریالیسم و جایگاه اقتصادی و سیاسی آن را انکار کرده و بسیاری از گروه‌ها را به انحراف برده است. این حزب از امپریالیست‌های غربی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و جنایات جنگی ناتو در لیبی و سایر نقاط جهان حمایت کرده است. این حزب اسرائیلی از طرح سرنگونی حکومت جمهوری

باید در کنار امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها علیه این جنبش‌های استقلال‌طلبانه عمل کنند؟ برای کمونیست‌ها اتخاذ سیاست عملی برای حل مسائل سیاسی ارجح است، نه ایدئولوژی. مسئله ملی، یک مسئله سیاسی است و نیروهای مذهبی در اشکال اسلامی، شیعه و سنی، مسیحی و کنفوسیوس و... سکولار و غیرسکولار در کنار هم برای اهداف مشترکی می‌جنگند. طبیعی است در فقدان نیروهای کمونیستی و یا ضعف آنها نیروهای خورده بورژوازی و بورژوازی و اساسا غیرپرولتری در رأس جنبش‌های ملی قرار گیرند. اما در ماهیت امر، در مبارزه علیه امپریالیسم و استعمار و برای کسب استقلال ملی، که همان حق تعیین سرنوشت باشد، تغییری ایجاد نمی‌کند. مبارزه ملت الجزایر تحت رهبری نیروهای اسلامی به انجام رسید و این امر سبب نگردید تا کمونیست‌های الجزایری خود را از این جبهه انقلابی کنار بکشند و علیه آن شعار مرگ دهند و با امپریالیسم فرانسه همساز شوند. امروز نیز ما با چنین شرایطی روبرو هستیم که رهبری جنبش آزادیبخش فلسطین و لبنان و یمن در دست نیروهای اسلامی است که علیه امپریالیسم و صهیونیسم می‌جنگند و کمونیست‌های این کشورها نظیر «جبهه خلق برای آزادی فلسطین»، «حزب کمونیست لبنان» و «چپ‌های انقلابی یمن» با حماس و حزب‌الله و حوثی‌ها همکاری سیاسی می‌کنند و در کنار هم علیه دشمن مشترک می‌جنگند. کمونیست‌ها باید با فداکاری در این جنبش‌ها شرکت کنند و با صبر و حوصله اعتماد توده‌ها را بدست آورند و در یک نبرد طولانی و پرفراز و نشیب رهبری را در دست گیرند و با حل مسئله ملی و با توجه به توازن قوای طبقاتی به تضادهای داخلی پاسخ گویند و راه را برای سوسیالیسم هموار سازند. چنین است دورنمای فعالیت کمونیست‌ها و تعریف‌شان از جبهه مقاومت علیه امپریالیسم و صهیونیسم. آنها که از «چپ محور مقاومتی» به عنوان ابزاری علیه کمونیست‌ها توسل می‌جویند، جریانات ترسکسیتی و شبه ترسکسیتی و موافق امپریالیسم و سرنگونی رژیم‌های ایران و سوریه و... در پارکابی قدرت‌های استعماری هستند همانطور که در افغانستان، عراق و لیبی شاهدش بودیم. اینان از جنبش‌های فلسطین و یمن و لبنان حمایت نمی‌کنند و همدستان امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه‌اند. امید که توضیحات ما تا همین اندازه کافی باشد و برایتان مفید افتد. باز هم برایمان بنویسید و نظرات خود را با طرح و پیشنهادات خود ارائه دهید. پیروز باشید.

اسلامی توسط غرب حمایت می‌کند و مخالف سیاست حمایت از تمامیت ارضی و یکپارچگی ایران و مبارزه علیه صهیونیسم و امپریالیسم است. این حزب و پاره‌ای دیگر از جریانات مشابه در بحبوحه بمباران نوار غزه شعار مبارز علیه «دو قطب ارتجاعی حماس و اسرائیل»! را صلا می‌دهند و عملا در کنار ارتش صهیونیستی و متجاوز اسرائیل قرار دارند و بر علیه ملت تحت ستم فلسطین، که چون تنی واحد در مقابل عفریت صهیونیسم مقاومت می‌کنند، لجن می‌پاشند و علیه آن عمل می‌کنند. در این رابطه شما را به دو جلد کتاب تحلیلی حزب کار ایران (توفان) در مورد «ماهیت حزب کمونیست کارگری ایران» رجوع می‌دهیم. این کتاب را که شامل مقالات تحلیلی و اسناد غیرقابل انکار در ۴۵۰ صفحه است، می‌توانید در لینک زیر تهیه و مطالعه فرمائید. این دو جلد کتاب پرده از دفاع‌طلبی این جریان از امپریالیسم و صهیونیسم برمی‌دارد. <http://toufan.org/Ketabkhaneh/H%20kk%20Hekmat%20jeld%201.pdf>

**سوم،** «چپ محور مقاومتی» کیست و این واژه به چه معناست؟ محور مقاومت یا جبهه مقاومت عنوانی برای اشاره به یک ائتلاف منطقه‌ای شامل نیروهای دولتی و غیردولتی، که در کشورهای ایران، سوریه، عراق، لبنان، یمن و فلسطین فعالیت می‌کنند، تعریف می‌شود. اهداف این جبهه مقاومت مبارزه با اشغال‌گری اسرائیل و دفاع از فلسطین، لبنان، یمن، عراق و مقابله با نفوذ سلطه غرب به ویژه آمریکا در منطقه خاورمیانه، مبارزه با گروه‌های نظیر داعش، بیان شده است. این جبهه مقاومت یا محور مقاومت در مقابل «محور شر» که امپریالیسم آمریکا، اسرائیل و انگلیس و کشورهای مشابه باشند، پس از حمله نظامی به عراق و خطر تجاوز به ایران و ممانعت از این حمله احتمالی به ایران و در نتیجه با حمایت جمهوری اسلامی از این جنبش‌های ضداستعماری به عنوان نیروهای بازدارنده و سپر دفاعی، شکل گرفته است.

از راهبردهای اصلی محور مقاومت، افزایش توان نظامی برای مقابله با تهدیدهای است که موجودیت این کشورها را تهدید می‌کند. تقویت جایگاه حزب‌الله لبنان و جنبش مقاومت فلسطین و یمن و گروه حشد شعبی و جریانات مشابه برای محدود کردن توسعه‌طلبی‌های رژیم صهیونیستی اسرائیل و شکل‌گیری نظامی جدید در این منطقه و گرایش به همکاری با روسیه و چین و حمایت از راه ابریشم سیاست‌های این جبهه را تعریف می‌کند. نیروهای محور مقاومت برای پوشش فعالیت‌ها و اهداف خود اقدام به تأسیس شبکه‌ها و خبرگزاری‌هایی از جمله «شبکه المنار»، «شبکه المیادین»، «شبکه المسیره»، «شبکه الفرات»، کرده‌اند. حالا با این توضیح مختصر به این اشاره می‌کنیم آیا کمونیست‌ها باید علیه ستمگری و سلطه امپریالیسم و صهیونیسم بجنگند و در مبارزه ملی، که ماهیت عمومی و بورژوائی دارد و وظیفه‌اش حل بلاواسطه تضاد کار و سرمایه نیست، شرکت کنند تا مهر خود را برای جنبش‌ها بکوبند یا



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کارایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کارایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کارایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کارایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب

POSTBANK

bank code 20110022

bank account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

P.O. BOX 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Fax: 00496996580346